

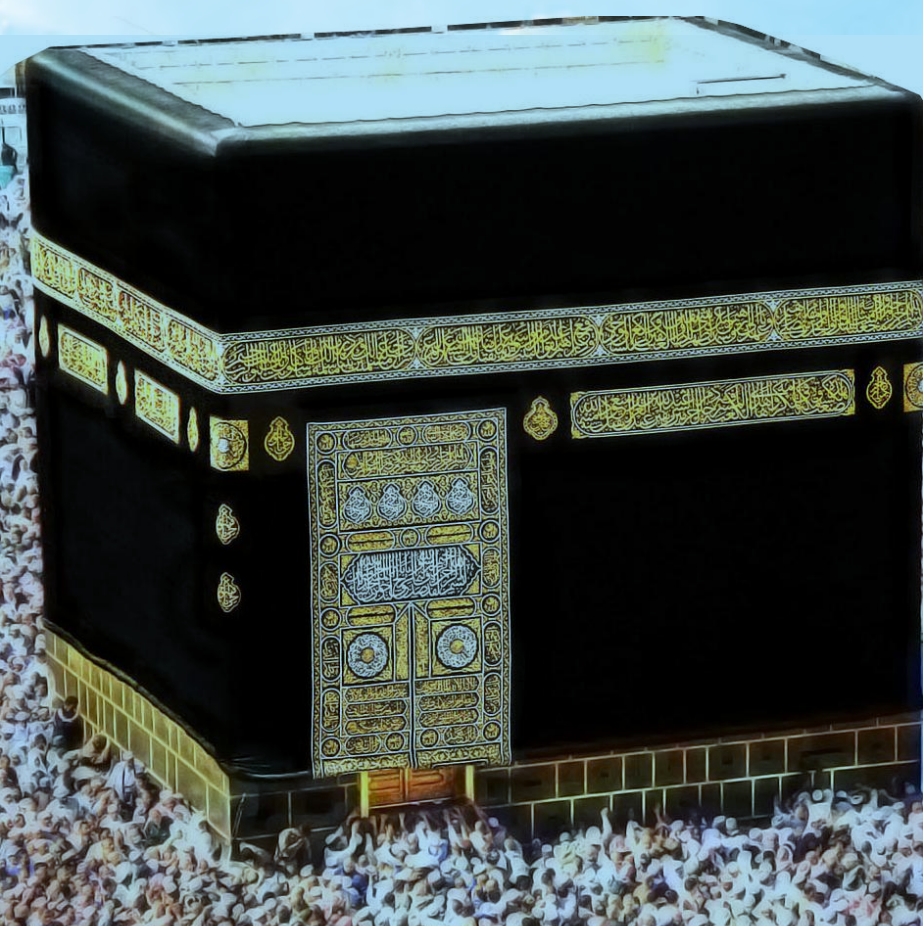


جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

عقاید

صنف هفتم

(برای مدارس دینی)



سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش.

عقاید - صنف هفتم - برای مدارس دینی

کتاب درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و فروش آن
ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

عقاید

صنف هفتم (برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.

مؤلفان

- رقيب الله ابراهيمى
- سيد فاضل شاه سادات
- نعمت الله محمودى
- نور الله صافى

ايديت علمى و مسلكى

- دكتور شير على ظريفى
- دكتور عبدالصبور فخرى

ايديت زباني

- سيد محمود خليق

كميته دينى، سياسى و فرهنگى

- پوهندوى دكتور فضل الهادى وزين
- محمد آصف كوچى

إشراف

- دكتور شير على ظريفى رئيس پروژه انكشاف نصاب تعليمى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ملي سرود

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامېریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه یان
دا هیواد به تل ځلیري	لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د آسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مودی رهبر	وایو الله اکبر وایو الله اکبر

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه ورسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً

در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می‌باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می‌آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان گرامی و شاگردان عزیز!

دین مبارک اسلام به عنوان آخرین پیام الهی و کامل ترین نظام زندگی مشتمل است بر یک سلسله باورها و اعتقادات قلبی، سلوک و ارزش‌های اخلاقی و احکام و تکالیف عملی. علوم «عقاید»، «اخلاق» و «فقه» به ترتیب عهده دار بیان این بخش‌های سه گانه می‌باشد. و از آنجا که عقاید، شالوده و اساس سایر بخش‌ها را تشکیل می‌دهد و همه تعالیم دینی اعم از اخلاق، عبادات و احکام، از آن سرچشمه می‌گیرد، تصحیح و ترسیخ عقاید در رأس اولویت‌های بندگان قرار دارد.

عقیده است که در زندگی سبب اطمینان می‌شود، خوشبختی دنیا و آخرت را به بار می‌آورد، و سبب قبول شدن اخلاق و اعمال می‌گردد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (النحل: ۹۷) ترجمه: کسی که اعمال نیک را انجام داد، مرد باشد و یا زن بشرطی که مؤمن باشد، ما او را در (دنیا) زندگی با سعادت و در (آخرت) پاداش بهتر از آنچه انجام داده عطا می‌کنیم.

بنا بر این خدای ناخواسته اگر عقیده کسی درست نباشد، در دنیا به بدبختی و مشکلات مواجه می‌شود، و در آخرت مستحق عذاب الهی می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه: ۱۲۴) ترجمه: کسی که از نصیحت ما (قرآن) روی برگرداند یقیناً (در دنیا) زندگی اش تنگ شود و در روز قیامت او را کور مبعوث کنیم.

از همین جهت بود که رسول اکرم ﷺ قسمت زیادی از دعوت خویش را به اصلاح عقیده اختصاص داد و قرآن کریم در دورهٔ مکی که سیزده سال را در بر گرفت، توجه خود را بیشتر به اصلاح عقیده و تربیت اعتقادی و ایمانی مردم متمرکز نمود.

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ نیز جایگاه عقاید در میان مسلمانان همواره از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. و زمانی که حرکت تدوین و تألیف در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، برای پاسخگویی به نیازهای جدید جوامع اسلامی، آغاز گردید، باز هم توجه دانشمندان مسلمان از همه بیشتر به بحث‌ها و مسائل اعتقادی معطوف گردید. و مسلمانان از آن وقت تا امروز، نظر به مقتضای زمان بهترین وقوی ترین کتابها را در بارهٔ

بیان و دفاع از باورهای دینی به رشته تحریر در آوردند و در اختیار تشنگان و جویندگان علم و دانش قرار دادند.

و از همین جهت بود که اداره انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان، گنجانیدن مضمون عقاید را در دوره متوسطه مدارس دینی از جمله ضروریات تشخیص داد و برای هر کدام از صنوف هفتم و هشتم و نهم، اقدام به تألیف کتاب مستقل و جداگانه در این باب نمود. شایان ذکر است که تألیف کتابهای صنوف هفتم و هشتم به زبان پشتو و دری و کتاب صنف نهم به زبان عربی صورت گرفت. خداوند برای مؤلفین و مدرسین این کتب پاداش کامل نصیب فرموده دانش آموزان عزیز را از آن بهره مند نماید و منفعت آن را عام بگرداند.

و الله ولی التوفیق

فهرست

عنوان	صفحه
علم عقاید	۱
ایمان به وجود الله تعالی	۴
وحدانیت الله تعالی	۷
توحید الوهیت	۹
توحید اسماء و صفات	۱۳
تعداد اسماء و اقسام صفت‌های الله تعالی	۱۷
صفات ذاتی الله تعالی (۱)	۲۰
صفات ذاتی الله تعالی (۲)	۲۴
کلام، صفت الله تعالی است	۲۷
ایمان به ملائکه	۳۰
کتاب‌های آسمانی	۳۴
وحی	۳۸
ایمان به انبیا و رسولان	۴۱
صفات انبیا و رسولان	۴۶
پیغمبران اولوالعزم	۵۱
معجزه و کرامت	۵۳
استدراج و سحر	۵۶
قضا و قدر	۵۹
برزخ	۶۲
بعث و حشر	۶۷
شفاعت حضرت محمد ﷺ	۷۰
وزن کردن اعمال	۷۳
حوض	۷۷
صراط	۸۰
جنت	۸۲

- ۸۵.....جهنم
- ۸۹.....نواقض ایمان (۱)
- ۹۲.....شرک اصغر
- ۹۴.....نواقض ایمان (۲)
- ۹۸.....کفر اصغر
- ۱۰۰.....بدعت
- ۱۰۳.....مقام اصحاب پیامبر ﷺ

علم عقاید

احکام شرعی به صورت عموم به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی احکام اعتقادی و دوم احکام عملی.

۱_ احکام اعتقادی: احکامی است که به عقیده ارتباط دارد و به آن احکام اصلی نیز گفته می‌شود، مانند باورداشتن به وجود و توحید الله ﷻ، نبوت و روز آخرت.

۲_ احکام عملی: عبارت از احکامی است که به اعمال ارتباط داشته و به آن احکام فرعی نیز گفته می‌شود؛ مانند: فرضیت نماز، حرام بودن زنا و امثال آن.

مسائلی که در نوع اول از آن بحث می‌شود، به آن علم توحید و صفات گفته می‌شود و مسائلی که در بخش دوم از آن بحث می‌شود، به آن علم شریعت و احکام گفته می‌شود؛ ما در این کتاب از نوع اول؛ یعنی از علم توحید و صفات بحث می‌کنیم.

تعریف عقاید

کلمه عقاید جمع عقیده است که در لغت به معنای بستن، محکم شدن و گره زدن می‌باشد.

و در اصطلاح شرع: عقیده، ایمان جازم (اقرار بر زبان و تصدیق آن به قلب) است، به الله تعالی و به صفات او، و به هر آن چیزی که نبی کریم ﷺ از آن خبر داده و آن به روایت صحیح نقل شده باشد.

توضیح تعریف

عقیده نام ایمان جازم است، که تصدیق به قلب و اقرار بر زبان است، به این که الله تعالی حق است، و ایمان داشتن به هر آن چیزی است که برای الله تعالی در الوهیت، ربوبیت، اسماء و صفات او تعالی واجب است، و ایمان جازم است به ملائکه الله تعالی، و به کتابهای الله تعالی، و به رسولان الله تعالی، و به روز قیامت، و به اندازه خیر و شر که از جانب الله تعالی است، و هر آن چیزی که به نصوص صحیحه ثابت شده باشد که عبارت است از اصول دین و امور غیب، و تسلیم شدن به احکام و اوامر الله تعالی و تسلیم شدن به اوامر رسول الله ﷺ (پیروی و اطاعت کردن آن حضرت ﷺ).

فعالیت:

عقیده داشتن به الله تعالی چه معنی دارد؟

موضوع علم عقاید

موضوع علم عقاید اسلامی، اصول شش گانه ایمان است که عبارت اند از: ایمان به الله تعالی، ایمان به ملائک، ایمان به کتب آسمانی، ایمان به پیامبران الهی، ایمان به روز آخرت (به حساب، بهشت و دوزخ) و ایمان به تقدیر خیر و شر.

غرض علم عقاید

غرض از علم عقاید، رستگاری و نیک بختی انسان در دنیا و آخرت می باشد؛ زیرا کسی که به کتاب الله ﷻ و سنت پیامبر ﷺ ایمان داشته و به آن عمل کند هرگز در دنیا و آخرت ناکام نمی گردد.

به سبب یاد گرفتن این علم، عقیده انسان استوار می شود و حقایق را در باره خود، کائنات و خالق خود به نحوه درست می شناسد.

فعالیت: شاگردان راجع به تعریف، موضوع و غرض علم عقاید بحث نمایند.

نام های علم عقاید:

علم عقاید به نام های دیگری نیز یاد می شود؛ چون علم توحید، اصول دین، فقه اکبر و غیره.

ارزش علم عقاید

علم عقاید در میان علوم دیگر از جایگاه مهم برخوردار است؛ زیرا شرافت و برتری هر علمی وابسته به موضوع آن علم می باشد. موضوع علم عقاید همان گونه که قبلاً توضیح داده شد عبارت از توحید الله ﷻ و بیان صفات او تعالی و نشانه های قدرت الهی، حقوق الله ﷻ بر بنده گان و مسائل غیبی است پس علم عقاید یکی از شریف ترین علوم می باشد. علم عقاید از یک طرف ذریعه دلایل قطعی و سمعی (قرآن و حدیث) ثابت می گردد و از سوی دیگر اساس همه علوم شرعی را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر میتوان گفت که عقاید اسلامی اساس و تهداب دین اسلام را تشکیل می دهد.

حکم علم عقاید

فراگیری علم عقاید فرض عینی و فرض کفایی می باشد.

۱- فرض عینی: به صورت اجمالی بر هر فرد مسلمان؛ مرد و زن فرض عین است، تا به هر آنچه پیامبر اکرم ﷺ خبر آن را از جانب الله تعالی آورده ایمان بیاورد؛ مانند: توحید، رسالت، بهشت، دوزخ، روز قیامت، فرضیت نماز، حج، روزه و چیزهای دیگر.

۲. **فرض کفایی:** فراگیری و آموزش دلایل علم عقاید به صورت تفصیلی و تخصصی، فرض کفایی است. به گونهٔ مثال: فهمیدن و آگاهی از دلایلی که به صورت مشخص خبر از جنت، دوزخ، روز قیامت می‌دهند و فرضیت احکامی مانند روزه، حج و چیزهای دیگر را ثابت می‌سازند، فرض کفایی می‌باشد.

فعالیت: شاگردان در مورد فضیلت و حکم فراگیری علم عقاید باهم در چهار گروه بحث نمایند و نتیجه را نماینده هر گروه برای دیگران توضیح کند.



۱. عقیده را تعریف کنید.
۲. موضوع علم عقاید چیست؟
۳. غرض علم عقاید چه می‌باشد؟
۴. علم عقاید چه اهمیتی دارد؟ بیان کنید.
۵. حکم علم عقاید را بیان نمایید.



شاگردان در باره علم عقاید مقاله ای بنویسند که از شش سطر کمتر نباشد.

ایمان به وجود الله تعالی

آیا جهان، آسمان‌ها و کائنات خود به خود پیدا شده اند یا ذاتی وجود دارد که همه جهان آفریده اوست و پدیده‌های هستی را که در آن هیچ ناهماهنگی و خللی وجود ندارد منظم نگه‌می‌دارد؟

دلایل وجود الله تعالی

دلایل نقلی (آیات قرآن کریم و احادیث شریف پیامبر) و عقلی زیادی وجود دارد که وجود الله تعالی را ثابت می‌سازد. برخی از آن دلایل را در زیر به بحث می‌گیریم:

دلیل نقلی

در قرآن کریم دلایل زیادی برای اثبات وجود الله تعالی ذکر شده است. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالْهَکُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۳﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة ۱۶۳-۱۶۴]

ترجمه: و خدای شما، خداوند یگانه، است؛ که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده مهربان. بدون شک در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یک دیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌ها که در دریا به سود مردم در حرکت اند، و آنچه خداوند از آسمان آب نازل کرده که بدان زنده نموده زمین را پس از مرگ آن، و گسترده در آن انواع جنبنده گان را و (همچنین) در تغییر مسیر باده‌ها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانه گی او) برای مردمی که عقل دارند.

صورت استدلال بر آیات فوق

آیات فوق به صراحت دلالت دارد که الله تعالی معبود یگانه بوده و به صفت «رحمن و رحیم» ستایش شده است. این آیات برای اثبات وجود و یگانه گی الله تعالی، دلایل زیادی را از راه فکر کردن در مخلوقات مختلف بیان کرده است.

این همه موجود جهان هستی که بر اساس نظم و قانون خاصی حرکت می‌کنند، حتماً یک پیدا کننده، ناظم و هم آهنگ کننده ای دارند و در غیر آن، هر چیزی باید بی نظم می‌بود.

آیات بالا همانگونه که دلایل نقلی است دلایل عقلی هم محسوب گردیده و وجود خدای متعال را به اثبات می‌رساند.

فعالیت: شاگردان به شکل گروهی برای وجود الله تعالی دلایل نقلی دیگری نیز ذکر نمایند و نماینده گروه، دلایل ذکر شده را برای دیگران بیان کند.

دلایل عقلی وجود الله تعالی

دلایل عقلی زیادی بر وجود الله تعالی دلالت دارد. به صورت نمونه به مباحثه‌یی که میان امام ابوحنیفه رحمته الله علیه و عده‌ای از افراد دهری (منکر وجود خداوند) راجع به وجود الله تعالی اتفاق افتاده است توجه کنید: مباحثه از این قرار است که چند شخص دهری که به وجود خدا باور نداشتند نزد امام ابوحنیفه رحمته الله علیه آمده و راجع به وجود الله تعالی پرسش‌هایی کردند. (نیت آنان به شک انداختن امام بود). امام ابوحنیفه رحمته الله علیه در جواب گفت: من به یک اتفاق عجیبی مشغول هستم. آنان پرسیدند: آن، چه اتفاقی است؟ ابوحنیفه رحمته الله علیه به آنان گفت: شخصی برای من خبر داده که این جا یک کشتی بی است که راننده و تنظیم کننده‌ای ندارد، اما خود به خود در دریا حرکت می‌کند، خود در ساحل پهلو می‌گیرد و به خودی خود همه وسایل را به شهرهای دیگر منتقل می‌کند، و بدون دخالت کس دیگری کالا را تخلیه کرده و هرچیزی مانند خرما، لوازم شیشه‌یی و دیگر اجناس را به ترتیب در قطار جداگانه می‌گذارد. و اجناس درون این کشتی هرگز به هم مخلوط نمی‌گردند.

آنها گفتند: آیا شما این خبر را پذیرفته اید؟ این چنین سخنی را جز دیوانه کس دیگری نمی‌پذیرد. روشن است که کشتی خود به خود این کارها را انجام داده نمی‌تواند. امام ابوحنیفه رحمته الله علیه به آنها گفت: در حالی که این سخن را قابل پذیرش نمی‌دانید پس چگونه می‌توانید بپذیرید که این جهان با این همه عظمت، تنوع، زیبایی و نظم، خود به خود و بدون داشتن یک آفریدگار حکیم، دانا و توانا به وجود آمده باشد؟

دلایل عقلی دیگری نیز وجود دارد که به وجود الله تعالی دلالت می‌کنند. زیرا هرچه آفریده الله تعالی است، همه دلیل به وجود الله تعالی می‌باشد؛ بگونه‌ای که اگر انسان به هریک از موجودات فکر کرده و باندیشد، به صورت حتمی خواهد گفت: **﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ**

النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۹۱]

ترجمه: الها! این را ببهوده نیافریده‌یی! پاکی است ترا! ما را از عذاب آتش نگاه دار!.

ذات الله تعالى قدیم است

ذات الله تعالى قدیم است، همیشه بوده و همیشه می‌باشد، وجودش نه ابتدا دارد و نه انتها. الله تعالى در این باره می‌فرماید: **﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ﴾** [الحدید : ۳] ترجمه: «او اول و آخر است» یعنی الله تعالى اول است ابتداء ندارد، و آخر است انتها ندارد.

حکم ایمان داشتن به وجود الله تعالى

ایمان آوردن و باور داشتن به وجود الله تعالى و یقین کردن به آن، فرض قطعی و عینی است و هر آنکه منکر وجود الله تعالى گردد، از اسلام خارج گردیده و کافر شناخته می‌شود.

فعالیت: شاگردان راجع به وجود الله تعالى دلائل عقلی دیگر ذکر نمایند.



۱. آیا جهان خود به خود پیدا شده است؟
۲. یک دلیل نقلی برای اثبات وجود الله تعالى ذکر کنید.
۳. یک دلیل عقلی برای اثبات وجود الله تعالى بیاورید.
۴. حکم ایمان داشتن به وجود الله تعالى چیست؟



شاگردان راجع به وجود الله تعالى مقاله ای بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.

وحدانیت الله تعالی

آفریدگار همهٔ مخلوقات تنها الله تعالی است. الله تعالی در ذات و صفات خود هیچ شریکی نداشته و به هیچ کسی محتاج نیست بلکه همهٔ مخلوقات به حق تعالی محتاج اند. خداوند همهٔ مخلوقات را آفریده و ذات پاکش قدیم می‌باشد.

تعریف توحید

توحید در لغت به معنای یکی دانستن است. و در اصطلاح یکی دانستن الله تعالی را توحید می‌گویند.^(۱)

شرح تعریف

توحید الله تعالی این معنا را دارد که الله تعالی در ذات و صفات یکتا و یگانه است، و برای الله تعالی شریک و مانندی وجود ندارد.

اقسام توحید

علما در روشنی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی توحید را به سه گونه تقسیم کرده اند:

۱. توحید ربوبیت

۲. توحید الوهیت

۳. توحید اسماء و صفات

فعالیت: شاگردان راجع به توحید الله تعالی بایک دیگرمباحثه کنند.

توحید ربوبیت

توحید ربوبیت یعنی عقیده داشتن به این که فقط الله تعالی خالق، رازق، تدبیر کننده، عزت دهنده، ذلیل کننده و رسانندهٔ خیر و شر و متصرف فوق اسباب بر جمیع اشیاء می‌باشد. پس خداوند پاک خالق، مالک و مددگار است.

۱- شرح العقيدة الطحاوية - (۸/۱)

دلیل اثبات توحید ربوبیت

الله تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [الزمر : ۶۲]

ترجمه: خدا آفریدگار هر چیزی است و اوست که از هر چیزی حفاظت می‌کند.

همچنان می‌فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا﴾. [الإسراء : ۱۱۱]

ترجمه: «و بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.»

پس معنای توحید ربوبیت این است که باید تمام حوائج دنیوی و اخروی، تنها از الله تعالی خواسته شود و از گرفتن دیگر متصرفین و کمک کننده گان به صورت جدی اجتناب شود.

همچنان الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. [الأنعام : ۱۷]

ترجمه: و اگر خدا به تو ضرری برساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست.

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾. [البقرة : ۱۸۶]

ترجمه: هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم پس [آنان] باید به فرمان من گردن نهند و به من ایمان آورند، تا اینکه رهیاب شوند.

فعالیت: شاگردان در مورد توحید ربوبیت یک دلیل عقلی بیاورند.



۱. توحید را تعریف کنید.
۲. توحید به چند قسم است؟
۳. مراد از توحید ربوبیت چیست؟
۴. یک دلیل نقلی برای توحید ربوبیت ذکر کنید.

توحید الوهیت

آیا جز الله تعالى کس دیگری مستحق پرستش است؟
بنده از چه کسی باید کمک بخواهد؟
سرعجز به چه کسی باید فرود آورده شود؟

تعریف الوهیت

"إله" در لغت به معبود گفته می‌شود؛ الوهیت صفت الله تعالى است. معنای توحید الوهیت این است که تنها الله تعالى مستحق ولایق پرستش است و غیر از او تعالی هیچ کس و هیچ چیز دیگر استحقاق پرستش را ندارد.

شرح تعریف

مستحق عبادت تنها ذات الله تعالى است. یگانه ذاتی که باید در برابر او سر تعظیم فرود آورد، الله متعال می‌باشد. تنها دستور او را باید پذیرفت و آنچه را که او منع نموده است، نباید انجام داد. داشتن چنین باوری به الله تعالی همان توحید الوهیت می‌باشد. و این توحید، عبادت (یکتا پرستی) هم گفته شده است.

توحید الوهیت

توحید الوهیت یعنی باور داشتن بر این که تنها الله تعالی لایق عبادت است.

معنای عبادت: عبادت در شریعت به دو معنا آمده است:

۱. **به معنای خاص:** عبادت به معنای خاص عبارت است از نماز، روزه، زکات، حج، و امثال آنها. همچنان کارهایی که هدف از آن تنها بجا آوردن امر پروردگار باشد و به کارهای عادی روزمره تعلق نداشته باشد، در مفهوم عبادت داخل است.
۲. **عبادت به معنای عام:** عبادت به معنای عام به این گفته می‌شود که در تمام ابعاد زنده گی امر پروردگار قبول شود، خواه عبادت به معنای خاص باشد یا معاملات باشد و یا احکام زنده گی خانواده گی باشد و یا احکامی که به امنیت، سیاست، اقتصاد و غیره امور زنده گی تعلق دارد. یک انسان وقتی موحد کامل شمرده می‌شود که در تمام ابعاد زنده گی اطاعت الله را بکند، و تمام عاداتها و نظریاتی را که با دین مبین اسلام در تضاد اند، رد کند.

دلایلی اثبات توحید الوهیت

دلایل اثبات توحید الوهیت در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم ﷺ زیاد است، در اینجا بعضی از این دلایل را ذکر می‌کنیم:

دلایل از قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ [البقرة: ۲۵۵]

ترجمه: خداست که هیچ معبودی جز او نیست، و او زنده و برپا دارنده است.

الله تعالی در آیت مبارک دیگری نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ﴾ [الكهف: ۱۱۰] **ترجمه:** بگو: من فقط بشری هستم مثل شما (امتیازم این است که) به من وحی می‌آید که معبودتان معبود یگانه است.

و نیز الله تعالی در سوره اخلاص می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾﴾ [الإخلاص: ۱، ۲] **ترجمه:** بگو: خداوند، یکتا و یگانه است، الله بی نیاز از همه است.

همچنان الله تعالی در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱﴾﴾ [البقرة: ۲۵۶] **ترجمه:** در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است، پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده است.

تعریف طاغوت: طاغوت به کسی گفته می‌شود که در مقابل الله تعالی پیروی او می‌شود. اگر انسان باشد و یا بت و یا چیز دیگری. در یک حدیث شریف آمده است که: «عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ، قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ، فَقَالَ: "يَا عَدِيُّ اطْرُخْ هَذَا الْوَتْنَ مِنْ عُنُقِكَ"، فَطَرَحْتُهُ، فَانْتَهَيْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْرَأُ سُورَةَ بَرَاءةٍ، فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ [ص آیه ۳۱] حَتَّىٰ فَرَّغَ مِنْهَا، فَقُلْتُ: إِنَّا لَسَنَّا نَعْبُدُهُمْ، فَقَالَ: "أَلَيْسَ يُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فَتُحَرِّمُونَهُ وَيُحِلُّونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، فَتَسْتَحِلُّونَهُ؟" قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: "فَتِلْكَ عِبَادَتُهُمْ" ^(۱)

ترجمه: مصعب بن سعد از عدی بن حاتم روایت کرده است که گفت: نزد پیامبر ﷺ حاضر شدم در حالی که در گردنم صلیبی از طلا آویخته بود. پیامبر ﷺ گفت: این بت را از گردن دور بيفکن. من آنرا دور افگندم. وقتی نزدیک پیامبر ﷺ رسیدم، آیاتی از سوره براءت را تلاوت می‌کرد، آیت

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ...﴾ را تلاوت نمود تا آنکه از آن فارغ گردید. من گفتم: ما آنها را پرستش نمی‌کنیم، فرمود: مگر آنچه را خداوند ﷻ حلال گردانیده، حرام نمی‌سازند و شما هم آن را حرام قرار می‌دهید، و آنچه را خداوند حرام گردانیده، حلال جلوه می‌دهند و شما هم آن را حلال می‌پندارید؟ گفتم: آری، فرمود: همین کار به مثابه پرستش آنها می‌باشد.

حدیث شریف: شمار زیادی از احادیث شریف به توحید الوهیت دلالت می‌کند که از آن میان حدیث جابر بن عبدالله -رضی الله تعالی عنهما- را ذکر می‌کنیم: رسول الله ﷺ هنگام گفتن تلبیه حج به صدای بلند گفتند: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنِّعْمَةَ لَكَ، وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» ترجمه: به فرمانبرداری تو ایستاده ام. ای الله به هرآنچه تو برما فرستاده یی به اطاعت از آن آماده ام. ای ذاتی که هیچ شریکی ترا نیست به اطاعت تو ایستاده ام. به یقین همه ستایش‌ها تنها شایسته توست و همه نعمت‌ها، خاص از جانب توست. پادشاهی خاص از آن توست و تراهیچ شریکی نیست.

همچنان جابر بن عبدالله ﷺ روایت می‌کند زمانی که رسول الله ﷺ بر تپه صفا بلند می‌شدند روی به طرف کعبه می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»^(۱) ترجمه: به جز الله هیچ معبودی شایسته پرستش نیست. یگانه است و شریکی ندارد. پادشاهی از آن اوست. سزاوار همه ستایش‌ها ست و بر همه چیز تواناست، جزالله یکتا هیچ معبودی نیست. وعده خود را به سر رسانید، (وعده فتح مکه و شکست کفار و غیره) بنده خود را کمک فرمود و لشکر کفر را به تنهایی خود شکست داد.

دلیل عقلی: هر انسانی که از عقل سلیم برخوردار است و یقین دارد که الله تعالی مخلوقات را آفریده است و سنجش و تدبیر همه هستی کار اوست و نیز باور دارد که هیچ کسی قادر به آفرینش چیز اندکی هم نیست و نمی‌تواند سود و زبانی به کسی برساند، مناسب این است تا به این نیز اعتراف و اقرار کند که تنها ذاتی مستحق عبادت و شایسته هرگونه پرستشی می‌باشد، همانا

حق تعالی است و بس. تنها الله تعالی باید پرستش شود و شکر و سپاس او به جا گردد و تنها الله متعال حق دارد که چیزهایی را برای بندگان حلال قرار دهد و چیزهایی را حرام گرداند.

فعالیت: شاگردان برای توحید الوهیت دلایل دیگری نیز بیاورند.

حکم توحید الوهیت

ایمان به توحید الوهیت (یکتا پرستی) فرض قطعی است و منکر آن کافر می باشد.



۱. توحید الوهیت را تعریف کنید.
۲. توحید الوهیت چه رami گویند؟
۳. دلایل توحید الوهیت را بیان نمایید.
۴. طاغوت را تعریف کنید.
۵. حکم توحید الوهیت چیست؟



شاگردان راجع به توحید الوهیت مقاله ای بنویسند که از شش سطر کم نباشد.

توحید اسماء و صفات

باور و ایمان به نام و صفات پروردگار و عقیده بر اینکه خداوند شبیه و مانند و همتا ندارد، توحید اسماء و صفات است.

الله تعالی دارای نام‌های نیک است. به طور اجمالی به نام‌های الله تعالی باور داشتن جزئی از عقیده اسلامی می‌باشد و کسی که به طور مفصل از نام‌های الله تعالی آگاهی یابد، الفاظ آن نامها را حفظ نماید و به معنایش علم حاصل کند، مستحق اجر بزرگ می‌گردد.

تعریف اسماء و صفات

اسماء جمع اسم است، و اسماء الله تعالی به آن الفاظ اطلاق می‌شود که در قرآن کریم و احادیث نبوی ذکر شده باشد و به ذات الله تعالی دلالت کند، مانند: رحمان، رحیم، غفور، ودود و مانند اینها.

صفات جمع صفت است و صفات خداوند آن معانی کامله است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن خود را وصف کرده باشد و رسول ﷺ آن را در احادیث خود بیان کرده باشد، مانند: علم، قدرت، اراده و مانند اینها.

اقسام اسماء الله ﷻ

نام‌های الله تعالی به دو گونه است:

نام‌های ذاتی: که تنها به ذات الله تعالی دلالت می‌کند. مانند "الله".

نام‌های صفتی: که به ذات و صفت الله تعالی دلالت می‌کند: مانند عالم، قدیر، رازق، و مانند این‌ها.

فرق بین نام‌های صفتی و صفات الله تعالی

نام‌های صفتی خداوند متعال با صفات الله تعالی در معنی و عدد فرق دارند:

۱. فرق آنها در معنی: مثلیکه در بالا ذکر شد، نام‌های صفتی خداوند متعال به ذات و صفت او تعالی دلالت می‌کند؛ زیرا هر نام صفتی الله تعالی به ذات و به صفتی که قایم به ذات الله تعالی باشد، یکجا دلالت می‌کند، مثلاً: قادر به قدرت، علیم به علم، حکیم به حکمت، سمیع به سمع، و بصیر به بصر دلالت می‌کند.

پس اسم صفتی به ذات و صفت هر دو دلالت می‌کند و صفت تنها به یک چیز دلالت می‌کند.

۲. فرق آن در عدد: صفات الله تعالى از اسماء او تعالى بیشتر است؛ زیرا هر اسم صفتی یک صفت همراهی خود دارد و بعضی صفات به افعال تعلق دارد و افعال الله تعالى انتها ندارد، مثلاً: اخذ، (گرفتن) تسخیر، (مسخر کردن) امساک، (بند کردن) و بطش، (سخت برای جزا و عقاب گرفتن) و مانند اینها، زیرا این افعال در قرآن کریم برای الله تعالى ثابت اند، ^(۱) مگر ما نمی‌توانیم به اساس این صفات، نامهای آخذ، مسخر، ممسک و باطش به الله تعالى ثابت کنیم، زیرا اسماء الله تعالى توقیفی اند و هیچکس نمی‌تواند از خود یک نام به الله تعالى برگزیند.

دلایل ثبوت نامهای الله تعالى (اسماء الله)

آیات زیادی از قرآن کریم و احادیث رسول الله ﷺ بر نامهای الله متعال دلالت بر این دارد:

قرآن کریم

الله تعالى در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰]

ترجمه: و برای خدا، نامهای نیک است، خدا را به آن (نامها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند، رها سازید؛ بزودی جزای اعمالی را که انجام می‌دهند، خواهند دید. الله تعالى در آیت مبارک دیگری می‌فرماید: ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ [الإسراء: ۱۱۰] **ترجمه:** بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، برای او نامهای نیک است.

این آیه کریمه اشاره به این می‌کند که نامهای الله تعالى ثابت است و همه این نامها به الله ﷻ که یکتا است، دلالت می‌کند.

حدیث شریف:

در حدیثی چنین آمده است: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَقَدْ سَأَلَ اللَّهُ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ» ^(۲)

ترجمه: پیامبر اکرم ﷺ از شخصی شنید که می‌گفت: یا الله من از تو سؤال می‌کنم، که الله

۱- الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ﴾ (البقرة: ۶۳)، ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ يَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ﴾ (الحج: ۶۵)، ﴿يَوْمَ يُطِشُ الْبَطْشَةُ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُتَّقِمُونَ﴾ (الدخان: ۱۶).

۲- رواه احمد في مسنده.

تویی، ذات یکتا، بی‌نیاز از همه تو یی، ذاتی که نه او از کسی زاییده شده و نه کسی از او زاییده شده و هیچ کسی او را هم‌تا نیست «بعد از شنیدن این سخن پیامبر اکرم ﷺ فرمود: یقیناً این شخص از الله متعال به اسم اعظم او طلب کرده است که هرگاه از الله متعال به آن نام چیزی خواسته شود، می‌بخشد و اگر دعایی صورت بگیرد، پذیرفته می‌شود.»

فعالیت ها: شاگردان برخی از آیاتی را که اسماء الله (نام‌های الله متعال) در آن‌ها آمده است بیان نمایند.

حکم ایمان داشتن به اسماء الله ﷻ

ایمان آوردن به همه نام‌های الله تعالی که در قرآن کریم آمده و یا در احادیث صحیح ذکر گردیده فرض است.

روش اهل سنت و جماعت در باره اسماء و صفات خداوند

در این باره دو مطلب قابل یاد آوری است:

۱. اهل سنت و جماعت در اسماء و صفاتی که الله ﷻ برای ذات خود ثابت کرده و یا پیغمبر ﷺ به الله تعالی ثابت کرده، بدون هیچ گونه تعطیل، تحریف، تمثیل و کیفیت ایمان و باور دارند، به این معنی که آنها را معطل و بی معنی نمی‌دانند و معناهایشان را تحریف نمی‌کنند و مثالها برایش بیان نمی‌کنند، و در کیفیت آنها بحث نمی‌کنند، الله تعالی در این باره می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱] **ترجمه:** چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.

در بخش اول این آیت تمثیل و تکلیف و در بخش دوم آن تعطیل و تحریف نفی شده است.

۲. نام‌های صفتی الله تعالی توقیفی یعنی به دلیلی نقلی ثابت می‌شود و هر آن الفاظی که در قرآن کریم و یا احادیث صحیح آمده، استعمال و اطلاق آن به الله تعالی جایز است و هرنامی که در قرآن کریم و یا احادیث صحیح نیامده، استعمال و اطلاق آن به الله تعالی جایز نیست و از طریق عقل نمی‌توانیم خود یک نامی به الله تعالی ایجاد کنیم. اما علماء کرام ترجمه نام‌های الله تعالی را برای فهم مردم جایز دانسته‌اند؛ مانند: ترجمه رب به خدا در زبان فارسی و حُبْنَتَن در زبان پشتو و امثال آن.

اطلاق نام‌های صفتی به الله تعالی که در قرآن کریم و یا حدیث پیامبر ﷺ نیامده باشد، ناجایز است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۳]

ترجمه: «بگو: پروردگار من بدون شک زشتکاری‌ها را چه آشکار و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده، است و نیز اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.»
دانستن اسماء و صفات الله متعال، بنده گان را در شناخت خداوند ﷻ کمک می‌کند و موجب زیاد شدن محبت خداوند ﷻ و تقوا در آنان می‌شود.

فعالیت: شاگردان راجع به اسماء الله ﷻ با هم مذاکره کنند.



۱. تعریف اسماء و صفات را بیان نمایید.
۲. اسماء الله تعالی به چند گونه است؟
۳. آیا در بین اسماء و صفات خداوند فرق وجود دارد؟
۴. دلایل اثبات اسماء را بیان کنید.
۵. حکم ایمان داشتن به اسماء الله را بیان نمایید.
۶. روش اهل سنت و جماعت را در باره اسماء الله تعالی بیان دارید.



شاگردان در کتابچه‌های خود ده آیتی را بنویسند که در آن‌ها برخی نام‌های الله تعالی ذکر گردیده است.

تعداد اسماء و اقسام صفات‌های الله تعالی

در درس گذشته در باره تعریف اسماء و صفات خداوند تعالی و دلایل اثبات آن چیزی آموختید، در این درس در باره تعداد اسماء و اقسام صفات الله تعالی بحث می‌شود.

تعداد اسماء الله تعالی

از اسماء الله تعالی در قرآن کریم و احادیث نبوی یاد آوری شده است:

قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾﴾ [الحشر: ۲۲ - ۲۴]

ترجمه: اوست خدایی که معبودی جز او نیست. دانای آشکار و نهان است و او رحمان و رحیم است. اوست خدایی که معبودی جز او نیست. حاکم و مالک اصلی اوست. پاک سلامت از هر عیب، امنیت بخش است. نگاهبان؛ قدرتمند شکست نا پذیر و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خدایی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نامهای نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است. تسبیح او می‌گویند و او عزیز و حکیم است.

فعالیت: نامهای الله تعالی را که در آیات فوق ذکر گردیده، در کتابچه‌های خود بنویسید.

حدیث شریف: در حدیث شریف آمده: **عن أبي هريرة أن النبي ﷺ قال: «إن لله تسعة وتسعين اسماً - مائة إلا واحداً- من أحصاها دخل الجنة»**^(۱) **ترجمه:** یقیناً برای الله تعالی نود و نه نام است، یک کم صد، هر که این نامها را حفظ نماید، به جنت داخل می‌شود. واقعیت این است که اسماء الله تعالی در این نود و نه اسم منحصر نیست، بلکه برای الله تعالی بیشتر از این نود و نه اسم، نامهای دیگری هم وجود دارد.

در حدیث شریفی که عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده، چنین آمده است: **«مَا قَالَ عَبْدٌ قَطُّ إِذَا أَصَابَهُ هَمٌّ وَحَزَنٌ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِيَّ**

قَضَاؤُكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْذَنْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ صَدْرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي إِلَّا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَمَّهُ وَأَبْدَلَهُ مَكَانَ حُزْنِهِ فَرَحًا»^(۱)

ترجمه: «هر باری که بنده درگیر پریشانی و اندوهی گردد و بگوید: خدایا، من بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو ام، همه اختیارم در دست توست. فیصله ات بر من جاری شدنی است، قضاوت و داوری تو در حقم سراسر عدل است. تمام اسمایی که داری و بدان خود را مسمی گردانیده یی، یا در کتابت نازل کرده یی و یا به کسی از بندگان تعلیم نموده یی و یا آن را در علم غیبی خویش نگهداشته یی، همه آن را به پیشگاهت وسیله می گردانم که قرآن را وسیله تازه گی دلم، نور سینه ام، دور کننده اندوهم و نابودکننده پریشانی ام بگردان. در این حال خداوند ﷻ پریشانی اش را زایل ساخته، اندوهش را به خورسندی مبدل می سازد»

از فرموده رسول الله ﷺ ظاهر می گردد که خداوند متعال نامهای دیگری هم دارد که بغیر از الله تعالی هیچ کس دیگری به آن علم ندارد.

فایده های ایمان داشتن به اسماء و صفات الله تعالی

۱. معرفت الله تعالی: کسی که به اسماء و صفات الله تعالی معرفت داشته باشد در باره الله معرفت او زیادتیر شده ایمان او به الله تعالی راسخ و عقیده توحید در وجود وی استوار تر می گردد.
۲. ذکر خداوند متعال به نامهایش یکی از بهترین اقسام ذکر است، خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [الاحزاب: ۴۱] **ترجمه:** ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را زیاد یاد کنید.
۳. به وسیله اسماء از خداوند متعال چیزی خواستن، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰] **ترجمه:** و نامهای نیکو به خدا اختصاص دارند، پس او را با آنها بخوانید.
۴. کامیابی و سعادت دنیا و آخرت.

اقسام صفات الله تعالی

صفات الله تعالی دو گونه است ؛ صفات ذاتی و صفات فعلی.

۱. **صفات ذاتی:** آن دسته از صفاتی را که الله تعالی بر ضد آن توصیف نشود، صفات ذاتی می‌گویند. این گونه از صفات، صفات لازمی الله تعالی شمرده شده و هرگز از ایزد تعالی جدا نمی‌گردند. صفات ذاتی الله تعالی عبارت اند از قدرت، اراده، سمع، بصر، علم، حیات، کلام.
۲. **صفات فعلی:** صفات فعلی الله تعالی به صفاتی گفته می‌شود که الله تعالی بر ضد و مقابل آن نیز توصیف شود؛ مانند: رحمت که ضد آن غضب است و الله تعالی به هر دو توصیف می‌شود. صفات فعلی الله تعالی زیاد است و ما به طور نمونه چند صفت را ذکر می‌کنیم: تخلیق (آفریدن) ترزیق (روزی دادن) احیاء (زنده نمودن) و غیره.

فعالیت: شاگردان فرق میان صفات ذاتی و فعلی را بیان کنند.



۱. تعداد اسماء الله تعالی چند است؟
۲. در باره اسماء الله تعالی آیاتی را از قرآن کریم بیان دارید.
۳. در باره اسماء الله تعالی یک حدیث نبوی را ذکر نمایید.
۴. فایده های ایمان داشتن به اسماء و صفات الله تعالی را ذکر نمایید.
۵. صفات خداوند متعال چند گونه است؟
۶. صفات فعلی خداوند متعال را تعریف نمایید.
۷. برای صفات فعلی خداوند متعال چند مثال بیان کنید.



شاگردان در رابطه به اسمها و صفتهای الله متعال مقاله‌ای بنویسند که از یک صفحه کمتر نباشد.

صفات ذاتی الله تعالی (۱)

قدرت و اراده

قدرت و اراده از کدام صفات الله تعالی است؟ آیا الله تعالی به صفتی که ضد قدرت و اراده باشد صفت می‌شود؟

تعریف قدرت

قدرت در لغت عبارت از همان صفتی است که به واسطه آن هر موجود زنده می‌تواند موافق اراده خود کاری را انجام دهد و یا ترک کند. ^(۱)

قدرت، صفت ذاتی الله تعالی است. الله تعالی به همه چیز به واسطه صفت ازلی و ابدی خود که قدرت می‌باشد توانایی داشته و صفت مذکور برای حق تعالی صفت حادث (جدید) نمی‌باشد. همچنان الله تعالی به ضد وی که عجز (ناتوانی) است، وصف نمی‌شود.

دلایل اثبات صفت قدرت

صفت قدرت برای الله تعالی به دلایل نقلی و عقلی ثابت است.

قرآن کریم می‌فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾** [البقرة: ۱۰۹] ترجمه: یقیناً الله تعالی به همه چیز تواناست.

در آیت مبارک دیگری نیز می‌فرماید: **﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾** [فاطر: ۴۴] ترجمه: هیچ چیزی عاجز کننده الله تعالی نیست، نه در آسمان‌ها و نه در زمین. به یقین الله متعال به همه چیز دانا و تواناست.

حکم ایمان داشتن به قدرت الله تعالی

ایمان داشتن به صفت قدرت الله تعالی واجب است.

فعالیت: شاگردان راجع به صفت قدرت الله تعالی با همدیگر مباحثه نمایند.

تعریف اراده

پس از سنجش هدف، اقدام به کاری و یا ترک کردن آن مانند: نفع و فایده و یا لذت و ضرر، را از نظر لغوی اراده می‌گویند.^(۱)

اراده صفت ذاتی الله تعالی است. هیچ چیزی بدون اراده الله تعالی آفریده نمی‌شود. هر چیز کوچک و یا بزرگ، نیکی و یا بدی، سود و یا زیان و چیزهای دیگری به اراده الله تعالی به میان می‌آید. هیچ چیزی در هستی، بدون اراده الله تعالی حرکتی انجام داده نمی‌تواند. واضح است که الله تعالی به ضد صفت اراده که "مجبور بودن" است، موصوف نمی‌شود.

دلایل اثبات اراده

صفت اراده به نقل و عقل برای الله تعالی به دلایل ذیل ثابت می‌باشد.

دلیل نقلی: الله تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: **﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾** [البروج: ۱۶] **ترجمه:** الله تعالی خوب انجام دهنده چیزی است که اراده کند.

در آیه مبارک دیگری می‌خوانیم: **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾** [البقرة: ۱۸۵]

ترجمه: خداوند، آسانی را برای شما اراده می‌کند و اراده نمی‌کند برای شما سختی را!

در آیت دیگری می‌فرماید: **﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾** [یس: ۸۲]

ترجمه: فرمان او چنان است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن چیز موجود می‌شود.

دلیل عقلی: اگر الله تعالی دارای اراده نباشد، باید زیر اراده کس دیگری برود؛ زیر اراده بودن غیر، یک نقص و کاستی است، البته الله تعالی از همه نقص و کاستی‌ها پاک و مبرا می‌باشد. به همین ترتیب اگر الله تعالی زیر اراده و خواست دیگری باشد، صفت قدرت به او تعالی ثابت شده نمی‌تواند؛ بناءً قدرت به چیزی تعلق می‌گیرد که اراده به آن تعلق دارد. لذا ثابت می‌شود که الله تعالی دارای صفت اراده است و اراده صفت ازلی او تعالی می‌باشد.

۱- الفروق اللغویه (۳۵/۱)

حکم ایمان داشتن به صفت اراده الله تعالى

ایمان آوردن به صفت اراده الله تعالى فرض است.

اقسام اراده

از دیدگاه علمای اهل سنت و جماعت اراده به دو گونه شناخته شده است:

اول: اراده تکوینی و خلقی.

دوم: اراده دینی و شرعی.

۱. **اراده تکوینی:** این نوع اراده مرادف با "مشیت" می باشد. و آن شامل همه مخلوقات بوده و هر چیزی که از نیستی به هستی قدم می گذارد، به اراده الله تعالى انجام می یابد. این نوع اراده از این قول الله تعالى ثابت می شود که می فرماید: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمًا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾ [الأنعام: ۱۲۵]. ترجمه: آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه او را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد و آن کس را که به (خاطر اعمال) خلافتش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آنچنان تنگ می کند، که گویا می خواهد به آسمان بالا برود.

در آیه دیگری الله تعالى می فرماید: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [البقرة: ۲۵۳]

ترجمه: لیکن الله تعالى، انجام می دهد آنچه را اراده کند.

۲. **اراده شرعی و دینی:** این گونه اراده، متضمن محبت و رضایت نیز می باشد. چنانچه الله

تعالى می فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ [البقرة: ۱۸۵] ترجمه: خداوند، آسانی

را برای شما اراده می کند و اراده نمی کند برای شما سختی را!

همین گونه الله تعالى می فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [المائدة: ۶] ترجمه: « خداوند نمی خواهد شما را در مشکلی قرار بدهد، بلکه می خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید».

فعالیت: شاگردان راجع به اقسام اراده با هم بحث کنند.



۱. قدرت به چه چیزی اطلاق می شود؟
۲. دلایل اثبات قدرت خداوند جَلَّ جلاله را ذکر کنید.
۳. حکم ایمان آوردن به صفت قدرت خداوند متعال چیست؟
۴. اراده چه رami گویند؟
۵. دلایل اثبات اراده را ذکر کنید.
۶. حکم ایمان به صفت اراده را بیان دارید.
۷. اراده الله تعالى به چند قسم است؟ بیان کنید.



شاگردان راجع به دو صفت الله تعالى (قدرت و اراده) مقاله ای بنویسند که از شش سطر کم نباشد.

صفات ذاتی الله تعالی (۲)

سمع، بصر، علم و حیات

آیا شما می‌دانید که سمع، بصر، علم و حیات صفتهای الله تعالی است؟
سمع، بصر، علم و حیات از کدام قسم صفتهای الله تعالی بشمار می‌رود؟
آیا الله تعالی به ضد این صفات نیز موصوف شده می‌تواند؟
جواب این پرسشها را درین درس می‌خوانیم.

سمع

تعریف سمع: سمع در لغت عبارت از قوتی است که ذریعه آن همه صداها شنیده می‌شود؛ اما این جا مراد از سمع، آن صفت ذاتی است که الله متعال آنرا در قرآن کریم برای خود ثابت نموده و ما از چگونه گی آن هیچ نمی‌دانیم.
الله تعالی همه آوازها، حروف و کلمات را به همان صفت ازلی خود می‌شنود. هیچ آواز خفیفی از دائرة شنیدن الله تعالی خارج نیست. الله تعالی به ضد این صفت که نا شنوایی (کر بودن) است موصوف نمی‌گردد.

بصر

تعریف بصر: بصر در انسان عبارت از حس بینایی است که در چشم وجود دارد و به واسطه آن شکلها، رنگ ها، روشنائی، تاریکی و چیزهای دیگری دیده می‌شود. اما، این جا مراد از بصر صفت ازلی الله تعالی میباشد که الله متعال آن را در قرآن کریم به خود ثابت ساخته و ما از کیفیت آن چیزی نمی‌دانیم.

بصر صفت ذاتی الله تعالی است. الله تعالی همه شکلها و رنگها را به صفت ازلی خود که در ازل برای او جل جلاله ثابت است، می‌بیند که ما از چگونگی آن هیچ چیزی نمی‌دانیم. از دید الله تعالی کوچک ترین چیزی نمی‌تواند پنهان بماند. الله تعالی به ضد بصر که نابینایی است، صفت نمی‌شود.

دلایل اثبات سمع و بصر: الله تعالى در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ [الحج: ۷۵]

ترجمه: یقیناً الله تعالى شنوا و بینا است.

در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱]

ترجمه: مانند الله تعالى چیزی نیست و او شنوا و بینا است.

علم

تعریف علم: علم به دانشی گفته می‌شود که مطابق واقعیت باشد.

علم صفت ذاتی الله تعالى است. الله تعالى به همه هستی داناست و هیچ چیزی، حتی کوچک ترین موجودی نمی‌تواند از علم الله تعالى پنهان بماند. الله تعالى بر همه کاینات به علمی که در ازل صفت اوست، دانا می‌باشد. الله تعالى به ضد این صفت که جهل است، موصوف نمی‌گردد.

دلایل اثبات صفت علم: الله تعالى در قرآن کریم فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ

الصُّدُورِ﴾ [لقمان: ۲۳]

ترجمه: الله تعالى یقیناً به چیزهای که در سینه‌ها پنهان است، داناست. در آیت دیگری فرموده

است: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا

يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [الأنعام: ۵۹]

ترجمه: و نزد او کلیدهای غیب است که جز او هیچ کسی آن را نمی‌داند، و می‌داند آنچه را در خشکی و دریاست و هیچ برگی فرو نمی‌ریزد، مگر الله تعالى آن را می‌داند و نه دانه ای در تاریکی‌های زمین و نه خشکی و تری، مگر که در کتاب آشکارا است.

حيات

تعریف حیات: حیات ضد مرگ است. حیات صفت ذاتی الله تعالى است. الله تعالى به همان

صفت ازلی حیات (زنده) متصف است و به ضد این صفت که مرگ است، موصوف نمی‌گردد.

دلایل اثبات حیات: الله تعالى در قرآن کریم فرموده است: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾

[البقرة: ۲۵۵]

ترجمه: به جز الله هیچ معبودی شایسته عبادت نیست، ذاتی که زنده و استوارکننده همه کارهاست.

همین گونه درآیت دیگری می‌فرماید: ﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [غافر: ۶۵] **ترجمه:** زنده واقعی اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید.

ایمان داشتن به صفتهای یاد شده

ایمان آوردن به صفتهای سمع، بصر، علم و حیات الله تعالی، واجب است.

فعالیت: شاگردان راجع به صفات ذاتی الله تعالی به صورت دسته جمعی مباحثه نمایند.



۱. سمع، بصر علم و حیات را تعریف نمایید.
۲. دلایل سمع، بصر، علم و حیات را بیان کنید.
۳. حکم ایمان داشتن به صفتهای سمع، بصر، علم و حیات را توضیح دهید.
۴. سمع، بصر علم و حیات از کدام نوع صفات الله تعالی می‌باشند؟
۵. آیا الله تعالی به ضد صفتهای یاد شده موصوف می‌گردد؟



شاگردان راجع به صفتهای چهارگانه که درین درس توضیح گردید، مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

کلام، صفت الله تعالى است

آیا شما می‌دانید که " کلام " صفت الله تعالى است؟
کلام از کدام نوع صفات الله تعالى است؟
آیا الله تعالى به ضد صفت کلام موصوف می‌گردد؟
جواب این پرسشها را در این درس با هم می‌خوانیم:

تعریف کلام

کلام به سخنی گفته می‌شود که مرکب از حروف و اصوات باشد، اما این جا مراد از کلام، صفت ذاتی الله تعالى می‌باشد که از قدیم برای وی ثابت است. کیفیت و چگونگی آن را ما نمی‌دانیم و این صفت را کلام نفسی نیز گویند.

شرح تعریف

کلام صفت قایم به الله تعالى است که خداوند جل جلاله به ضد آن که گنگی است موصوف نمی‌شود.

دلایل اثبات صفت کلام

الله تعالى درقرآن کریم فرموده است: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۴] ترجمه: و الله تعالى با موسی سخن گفت به سخن گفتنی.

همین گونه الله تعالى درآیت مبارک دیگری می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ﴾ [الشوری: ۵۱] ترجمه: و هیچ انسانی نیست که الله با او سخن گفته باشد، مگر به طریقه وحی، یا از پشت پرده و یا پیامبری (فرشته) را فرستاده باشد که به اذن حق تعالى وحی کند آنچه را که خواسته باشد و یقیناً ایزد تعالى دانا و باحکمت است.

ایمان داشتن به صفت کلام

ایمان داشتن به صفت کلام الله تعالى فرض است.

قرآن کریم کلام، الله تعالى است

قرآن کریم کلام الله تعالى می‌باشد که برای رهنمایی بنده گان نازل شده است. قرآن کریم آخرین کتاب از کتابهای آسمانی است و پس از این کتاب تاروز قیامت هیچ کتابی نازل نمی‌گردد.

تعریف قرآن کریم

قرآن در لغت: کلمه قرآن، مصدر است و به معنای یک جا کردن و تلاوت نمودن می‌باشد. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ [القیامة: ۱۷-۱۸] ترجمه: بدون شک، جمع نمودن و خواندن آن بر عهده ماست، پس وقتی که آن را خواندیم، تو نیز خواندن آن را پیروی نما.

قرآن در اصطلاح: قرآن کریم کلام الله تعالی است، برحضرت محمد ﷺ به زبان عربی نازل شده، در صحیفه‌ها نوشته شده و برای ما به تواتر و بدون شبهه نقل گردیده، و تلاوت آن عبادت است و یک صد و چهارده سوره دارد.

حکم ایمان داشتن به قرآن کریم

یقین و باورداشتن به این که قرآن کریم کلام الله تعالی بوده و قایم به ذات حق تعالی می‌باشد، واجب است. کسی که از قدیم بودن قرآن کریم منکر شود، کافر می‌گردد.

نام‌های قرآن کریم

قرآن کریم به نام‌های زیادی یاد می‌شود که شماری از آن نام‌ها در ذیل بیان می‌گردد:

قرآن: الله تعالی می‌فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ [البقرة: ۱۸۵] ترجمه: رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل گردیده است.

الکتاب: الله تعالی می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۱]

ترجمه: این همان کتابی است که هیچ شکی در آن نیست. رهنما برای پرهیزگاران است.

الحکیم: الله تعالی می‌فرماید: ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ [یونس: ۱]

ترجمه: این نشانه‌های کتاب با حکمت است.

نور: الله تعالی فرموده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾ [النساء: ۱۷۴] ترجمه: و به سوی شما نوری آشکارا نازل کردیم.

الفرقان: الله تعالى می فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾

[الفرقان ۱ آیت] **ترجمه:** با برکت است آن ذاتی که به بنده خود (حضرت پیامبر ﷺ) فرقان فرستاد تا برای عالمیان بیم دهنده باشد.

الروح: الله تعالى می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا﴾ [الشوری: ۵۲] **ترجمه:** و همین گونه به تو از جانب خود روحی را وحی کردیم.

فعالیت ها: شاگردان نام های دیگر قرآن کریم را ذکر کنند.



۱. کلام الله تعالى را تعریف نمایید.
۲. دلایل اثبات صفت کلام را ذکر کنید.
۳. حکم ایمان به صفت کلام را بیان نمایید.
۵. قرآن کریم را تعریف کنید.
۶. حکم ایمان به قرآن کریم را بیان نمایید.
۷. نام های قرآن کریم را با دلایل آن بیان کنید.



در مورد قرآن کریم مقاله ای بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد.

ایمان به ملائکه

در درسهای گذشته در باره ایمان به وجود الله ﷻ و وحدانیت، اسماء و صفات او تعالی معلومات کافی به دست آوردیم، در این درس در زمینه ایمان به ملائکه یا فرشته‌ها بحث خواهیم کرد:

تعریف ملائکه: ملائکه جمع ملک، در لغت نماینده را گویند و در اصطلاح علم عقاید عبارت اند از مخلوقات نورانی و لطیف الله ﷻ که از اوامر او هرگز سرپیچی نمی‌کنند.

شرح تعریف

ملائکه از جمله مخلوقات برتر خداوند هستند و از نور پیدا شده اند و از هر نوع گناهان معصوم اند و به هیچ صورت از اوامر الهی سرپیچی نمی‌کنند؛ نسبت مرد بودن یا زن بودن، به آنها داده نمی‌شود و می‌توانند خود را به اشکال مختلف در بیاورند و جای بود و باش شان آسمانهاست. از شهوت و خواهش‌های نفسانی پاک اند، خورد و نوش ندارند و نمی‌خوابند.

دلایل اثبات وجود ملائکه

وجود و خلقت ملائکه از آیات قرآن و احادیث نبوی ثابت است:

۱. قرآن کریم: الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُؤْنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْإِنْسِي﴾ [النجم: ۲۷]

ترجمه: «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختران (خدا) نامگذاری می‌کنند» و نیز فرموده است: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعٍ يَرِيذُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الفاطر: ۱]

ترجمه: «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشته گان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند، پیام‌آورنده قرار داده است. در آفرینش هر چه بخواهد، می‌افزاید زیرا خدا بر هر چیزی تواناست»

و فرموده است: ﴿يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ [النحل: ۲]

ترجمه: «فرشته گان را با روح به فرمان خود بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند»

۲. حدیث شریف

از پیامبر اکرم ﷺ احادیث زیادی در باره فرشته گان روایت شده است که یکی را بیان می کنیم:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ « يَتَعَاقِبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ وَيَحْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الْعَصْرِ ثُمَّ يَعْرُجُ الَّذِينَ بَاتُوا فِيكُمْ فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ كَيْفَ تَرَكْتُمْ عِبَادِي فَيَقُولُونَ تَرَكْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ وَأَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ »^(۱)

ترجمه: «از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: یکی پی دیگر می آیند در بین شما ملائکه در شب و ملائکه در روز پیوسته (کرام الکاتبین) و ایشان در نماز صبح و نماز عصر جمع می شوند، پس بالا می روند آنانیکه شب را در بین شما سپری کردند و از آن ها پروردگار شان سؤال میکند، - در حالی که او تعالی عالم تر است نسبت به ایشان - به کدام حالت بنده گانم ما را ترک کردید؟ میگویند: ایشان را در حالیکه نماز می خواندند ترک کردیم و نیز در حالیکه نماز می خواندند نزد ایشان رفته بودیم»

حکم ایمان داشتن به فرشتگان

ایمان آوردن به فرشتگان و یقین داشتن به موجودیت شان فرض است، و منکر آن، از دایره اسلام خارج می شود.

ملائکه از همه گناهان معصوم اند

آیات زیادی در قرآن کریم بر عصمت فرشتگان دلالت می کنند، از جمله الله تعالی می فرماید:

﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [تحریم: ۶]

ترجمه: «از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند و آنچه را که به آن امر شده اند انجام می دهند»

و نیز می فرماید: ﴿يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ [انبیاء: ۲۰]

ترجمه: «شبانه و روز بی آنکه سستی ورزند، نیایش می کنند»

صفات فرشتگان

در قرآن و حدیث بسیاری از صفات فرشته گان ذکر شده که برخی از آنها چنین است:

۱. فرشته ها از نور آفریده شده اند.

۲. فرشته ها به چشم دیده نمی شوند، اما اگر آنها بخواهند خود را به کسی نشان بدهند، در این صورت دیدن شان ممکن است.

۱ - متفق علیه.

۳. فرشتگان می‌توانند خود را به اشکال خوب و گوناگون متشکل بسازند.
۴. خداوند در رساندن وحی به پیامبران و دیگر کارهای مهم و با ارزش، ملائکه را توظیف کرده است.
۵. ملائکه بدون کدام مشکل می‌توانند بین آسمانها و زمین رفت و آمد کنند.
۶. برخی از فرشته‌ها دو، برخی سه، برخی چهار و برخی بیش از این بال دارند.
۷. ملائکه پیش از انسانها آفریده شده اند.
۸. ملائکه با آنکه معصوم اند و همیشه عبادت الله ﷻ را می‌کنند، اما باز هم از الله ﷻ بسیار می‌ترسند.
۹. ملائکه به خداوند بسیار نزدیک و مقرب اند.
۱۰. ملائکه کارهای خارق العاده را انجام داده می‌توانند.

وظایف فرشتگان

- خداوند متعال کارهای بسیار بزرگی را به فرشتگان سپرده و این توان را به آنان داده است که وظایف شان را به خوبی انجام دهند. برخی از وظایف ملائکه از این قرار است:
۱. جبرئیل علیه السلام مکلف است تا به پیامبران وحی برساند. او برترین همه فرشته گان بوده و در نزد خداوند ﷻ بسیار معزز است و به نام «روح الامین» هم یاد می‌شود.
 ۲. میکائیل علیه السلام که از باریدن باران و رویانیدن گیاهان و نباتات و دیگر حوادث طبیعی مراقبت می‌کند و او هم جایگاه بلندی در پیشگاه خداوند ﷻ دارد، چون در کنار جبرئیل ذکر شده است.
 ۳. اسرافیل علیه السلام وظیفه دمیدن صور را برای برپایی قیامت به عهده دارد.
 ۴. به ملک الموت (عزرائیل) و همراهانش وظیفه داده شده تا ارواح بندگان را قبض کنند.
 ۵. کراماً کاتبین هم اعمال انسانها را می‌نویسند.
 ۶. نکیر و منکر در قبر از مرده سؤال می‌کنند.

فواید ایمان به فرشتگان

۱. انسان به عظمت خداوند ﷻ پی می‌برد.
۲. بی نیازی خداوند ﷻ را از مخلوقات نشان می‌دهد. (اگر ما از عبادت خدا سرباز زنیم خداوند ﷻ مخلوقات دیگری دارد که او را عبادت می‌کنند و او تعالی از همه بی نیاز است)
۳. آگاه شدن از محبتی که خداوند ﷻ با مؤمنان دارد، این سبب می‌شود که بنده گان، خدا ﷻ را زیاد عبادت کنند.

۴. مطلع شدن از قدرت و زیاد بودن لشکر الهی و ایمان داشتن به کمک و نصرت او تعالی که سبب استقامت و پایداری در هنگام دعوت و جهاد می‌شود.

فعالیت: شاگردان در باره عصمت و صفات فرشته گان باهم بحث کنند.



۱. ملائکه را تعریف کنید.
۲. ملائکه از چی آفریده شده اند؟
۳. در باره اثبات وجود ملائکه چند دلیل ذکر کنید.
۴. حکم ایمان به ملائکه چیست؟
۵. صفات ملائکه را مختصراً بیان کنید.
۶. در باره وظایف فرشتگان به اختصار معلومات دهید.
۷. چند فایده ایمان به فرشتگان را ذکر کنید.



شاگردان در باره ملائکه مقاله کوتاهی بنویسند که از ده سطر کمتر نباشد.

کتاب‌های آسمانی

الله ﷻ برای راهنمایی بنده گانش در زمانه‌های مختلف کتاب‌هایی را فرستاده تا مردم در روشنی رهنمایی این کتابها زنده گی خویش را تنظیم نموده به خوشبختی دنیا و آخرت نایل گردند.

تعریف کتاب

کتاب در لغت از کتابت گرفته شده و به معنای نوشتن است.

کتاب آسمانی در اصطلاح، عبارت از کلام خداوند است که بخاطر هدایت و رهنمایی بنده گان از طریق وحی به یکی از رسولانش فرستاده است تا آن را به مردم برساند، کتابهای آسمانی نازل شده عبارت اند از تورات بر حضرت موسی ﷺ، زبور بر حضرت داوود ﷺ، انجیل بر حضرت عیسی ﷺ و قرآن بر حضرت محمد ﷺ. علاوه از این کتب، صحیفی نیز بر بعضی انبیاء علیهم السلام نازل شده است.

شرح تعریف

مقصد از کتاب‌های آسمانی در اینجا کلام الله ﷻ است که سراسر نور و رهنمایی می‌باشد. الله ﷻ در زمانهای مختلف این کتاب‌های آسمانی را برای راهنمایی بنده گانش نازل فرموده تا آنها این کتابهای آسمانی را به عنوان قانون مقدس خود بپذیرند و از آن پیروی و تا در راه پر فراز و نشیب زنده گی دنیا، راه گم نشوند.

دلایل اثبات کتاب‌های آسمانی

جهت اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی، در قرآن کریم و احادیث نبوی دلایل زیادی وجود دارد که برخی از آنها قرار ذیل است:

قرآن کریم:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نَفَرُّ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶]

ترجمه: «بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اولادش نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی

پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم. میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم»

در این آیه مبارکه خداوند متعال مؤمنان را مأمور ساخته است تا به قرآن کریم و کتابهایی که پیش از قرآن نازل شده است، ایمان بیاورند.

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵]

ترجمه: «پیامبر خدا بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند و گفتند: (میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم) و گفتند: (شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را خواستاریم و فرجام به سوی تو است.»

الله ﷻ در این آیه صفت ایمان پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان را بیان نموده و تصریح می‌دارد که آنان به ایمان آوردن به الله ﷻ، فرشته‌ها، کتابها و پیامبران مأمورند.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۶]

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتابهایی که قبلاً نازل کرده، ایمان بیاورید و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است»

حدیث شریف

هنگامی که جبرئیل عليه السلام از نبی اکرم ﷺ در باره ایمان پرسید، رسول الله ﷺ فرمود: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»^(۱)

ترجمه: «ایمان این است که به الله ﷻ، فرشته‌ها، کتابها، پیامبران، روز آخرت و اینکه خیر و شر از جانب الله است، باور و یقین داشته باشی»

حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی

ایمان آوردن به همه کتاب‌های آسمانی که از جانب الله ﷻ نازل شده، از جمله ارکان ایمان بوده و فرض است.

ضرورت مردم به کتابهای آسمانی

از بررسی تاریخ بشر معلوم می‌گردد که انسان از یک طرف انانیت و خودخواهی دارد و در صورت توان، اغلب آزادی و حقوق دیگران را در نظر نمی‌گیرد و از طرف دیگر دانش بشر ناقص است و در باره کاینات و خالق آن بدون راهنمایی پیامبران نمی‌تواند به حقیقت دست یابد. از همین رو، علم انسان در باره اصول و قوانین اجتماعی نارس است و به تنهایی نمی‌تواند راه اصلی و برتر را پیدا کند. به همین خاطر خداوند متعال در زمانهای مختلف غرض رهنمایی و هدایت بشر و تحقق عدالت در روی زمین کتابهای فرستاده است و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ [الحديد: ۲۵]

ترجمه: به تحقیق ما فرستادیم پیامبران خود را با نشانه‌های روشن و نازل کردیم همراهی ایشان کتاب و ترازو را تا عمل کنند مردم با انصاف...

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی

قرآن کریم آخرین کتاب خداوندی است که غرض رهنمایی بشریت تا روز قیامت بر حضرت محمد ﷺ که آخرین پیامبران است، نازل گردیده است. قرآن کریم در (۲۳) سال بصورت تدریجی توسط جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد ﷺ فرود آمده و با نزول آن تمام کتابهای آسمانی قبلی منسوخ شده است. خطاب و دعوت قرآن کریم عام بوده و برای همه بشریت در همه زمانها و مکانها می‌باشد. ایمان آوردن به قرآن کریم بحیث آخرین کتاب آسمانی به هر انسان فرض است. کسی که به قرآن ایمان نداشته باشد، از دایره ایمان خارج و کافر می‌باشد.

فعالیت

شاگردان به ترتیب در باره سؤال‌های ذیل باهم بحث کنند:

۱. آیا فلاسفه ای که با تکیه به عقل در باره زنده‌گی بشر قوانین وضع می‌کنند، در باره اصول زنده‌گی باهم متفق هستند؟



۱. دلایل اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی را بیان کنید.
۲. رسول الله ﷺ در جواب سؤال جبرئیل در باره ایمان چه فرمود؟
۳. حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی چیست؟
۴. مردم چه نیازی به کتاب‌های آسمانی دارند؟

کارخانه‌گی



شاگردان تحت عنوان نیاز انسان به کتاب‌های آسمانی یک مقاله بنویسند که از بیست سطر کمتر نباشد.

وحی

بعد از ایمان به کتاب ها، در باره ایمان به وحی بحث می کنیم و یاد می گیریم که وحی چیست؟
واز جانب کی بر چه کسانی نازل می شود؟

تعریف وحی

وحی در لغت به معانی زیادی استعمال شده است، از قبیل: اشاره، رسالت، الهام، کلام خفی، امر و کتابت.

و در اصطلاح علم عقاید عبارت است از: سخن گفتن خداوند با پیامبر به شکل خفیه و خارق العاده.

شرح تعریف

وحی به سخنی گفته می شود که خداوند متعال با کسی که او تعالی وی را به نبوت برگزیده است، در باره آنچه اراده خداوند است، به شکل خفی و بالاتر از توان بنده گان، انجام داده است.

دلیل ثبوت وحی

دلیل نقلی: حضرت محمد ﷺ اولین پیغمبر و اولین انسان نبود که با مردم از وحی سخن گفته و آنان را از سخنان آسمانی آگاه کرده باشد؛ بلکه از نوح علیهِ السَّلَام گرفته تا حضرت محمد ﷺ، پیامبران زیادی آمده و مردم را از وحی آگاه ساخته اند. این پیامبران هیچگاهی از جانب خود سخن نگفته، بلکه وحی را که به سوی شان فرستاده می شد. به مردم تبلیغ می کردند، چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَأُسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾

[النساء: ۱۶۴-۱۶۳]

ترجمه: « ما وحی فرستادیم سوی تو، چنانچه وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبرانی که بعد از وی بودند و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و بر فرزندان او و به عیسی و به ایوب و به یونس و به هارون و به سلیمان و دادیم به داود زبور را. و پیامبرانی را فرستادیم که در حقیقت ماجرای آنان را قبلاً بر تو گفتیم و پیامبرانی را نیز که سرگذشت ایشان را بر تو بازگو نکرده ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت.»

در آیه دیگر در باره محمد ﷺ می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۴-۳]

ترجمه: «و از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن بجز وحی که وحی می‌شود، نیست»
و نیز می‌فرماید: ﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ﴾ [یونس: ۲]
ترجمه: «آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند، مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان عزت و سربلندی است. کافران گفتند این [مرد] بدون شک افسونگر آشکار است.»

دلیل عقلی

وحی یک واقعیت است. کسی که به وجود خدا و به کمال قدرت او ایمان دارد، منکر وجود وحی نمی‌شود؛ زیرا خداوند عزوجل قادر مطلق است و هر طوری که اراده اش باشد، پیام خویش را به بنده گانش ابلاغ می‌فرماید.

فعالیت

شاگردان در باره دلایل وحی باهم بحث کنند.

حکم ایمان به وحی

ایمان آوردن به همه کتابهای نازل شده و به همه وحی‌های فرستاده شده، به شکل اجمالی فرض است.

انواع وحی

خداوند به پیامبرانش به سه طریق وحی کرده است:

۱. وحی به طریق الهام و خواب

الف. الهام: طوری که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: بدون شک جبرئیل این سخن را در دلم افگند که هیچ نفسی تا وقتی نمی‌میرد که اجل و وقت معین خود را تکمیل نکرده و رزقش را به طور کامل نگرفته باشد، پس رزق را از راه حلال بجویند، محدود شدن و یا کم شدن رزق، هیچ یک از شما را وادار نسازد که آن را از راه حرام و گناه بطلبید؛ چون نمی‌توان از هیچ راهی به آنچه در نزد خداوند عزوجل است، رسید، جز از راه اطاعتش.

ب. در خواب دیدن: طوری که خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام در خواب وحی کرد که فرزندش اسماعیل را ذبح کند و پیش از آغاز وحی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خوابهای واضح و روشن می‌دید.

۲. سخن گفتن از پشت پرده: یعنی به گونه‌ای که بین الله جل جلاله و پیغمبر واسطه‌ای وجود نداشته باشد، بلکه بدون واسطه، خداوند متعال به پیغمبرش وحی کرده باشد. چنانکه حضرت موسی علیه السلام سخنان خداوند را بدون واسطه شنیده است.

۳. وحی به واسطه فرشته: خداوند متعال فرشته‌ای را به سوی پیغمبر می‌فرستاد و توسط او وحی را بر رسولش نازل می‌کرد که این، کار جبرئیل علیه السلام است.

سه طریق وحی را که در بالا ذکر شد، خداوند متعال در این آیه چنین بیان می‌کند:

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ﴾ [الشوری: ۵۱]

ترجمه: «و هیچ بشری را نزد خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از پشت حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری اوست بلندمرتبه سنجیده کار» باید دانست که قرآن کریم به این طریق یعنی توسط فرشته مکلف یعنی جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده است.

فعالیت

شاگردان در باره نیاز جامعه انسانی به وحی و رهنمودهای آسمانی بحث و گفتگو نموده نتایج آن را نکته وار یاد داشت نمایند.



۱. وحی را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.

۲. دلایل وجود وحی را بیان نمایید.

۳. حکم ایمان به وحی چیست؟

۴. انواع وحی را بیان کنید.

۵. آیه را ذکر کنید که خداوند متعال در آن از انواع وحی سخن گفته است.

کارخانه‌گی



شاگردان در باره وحی مقاله‌ای بنویسند که از ده سطر کمتر نباشد.

ایمان به انبیا و رسولان

نبی و رسول به چه کسی گفته می‌شود؟
آیا نبوت و پیغمبری با کار و کوشش به دست می‌آید؟

۱. تعریف نبی و رسول

الف. نبی: نبی، واژه عربی بوده که از «نبا» گرفته شده است و نبا به خبر گفته می‌شود. و در اصطلاح علم عقاید، نبی به شخصی گفته می‌شود که از طرف الله ﷻ برایش وحی شده باشد.

ب. رسول: به شخصی گفته می‌شود که الله ﷻ برای رساندن احکامش به بنده‌گان، او را همراه با شریعت جدید فرستاده باشد.

۲. فرق بین نبی و رسول

رسول به شخصی گفته می‌شود که الله ﷻ با شریعت تازه ای او را به سوی بنده‌گانش می‌فرستد، و نبی کسی است که خداوند او را برای راهنمایی بنده‌گانش فرستاده است، فرق نمی‌کند که شریعت انبیای پیشین را به مردم تبلیغ کند و یا شریعت تازه ای به او داده شده باشد؛ بناءً به هر رسول نبی گفته می‌شود اما به هر نبی رسول گفته نمی‌شود.

۳. تعداد انبیا

در قرآن کریم از ۲۵ پیغمبر تذکر رفته و نام ۱۸ تن شان در آیات ذیل ذکر است:

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [الانعام: ۸۳-۸۶]

ترجمه: «و آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم. درجات هر کس را که بخواهیم بالا می‌بریم زیرا پروردگار تو حکیم داناست. و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را به راه راست درآوردیم و نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم، و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند، و اسماعیل و یسع و یونس و لوط که جملگی را بر جهانیان برتری دادیم»

نامه‌های هفت تن از پیامبران در جاهای دیگر ذکر شده است که عبارتند از: آدَم، إِدْرِيس، هُود، صَالِح، شُعَيْب، ذُو الْكِفْل وَ مُحَمَّدٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ (عَلَيْهِمْ جَمِيعًا صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ).

در قرآن کریم از موجودیت دیگر پیامبران هم خبر داده شده است: ﴿وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ﴾ [النساء: ۱۶۴]

ترجمه: «و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز فرستاده ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم» ایمان به همه انبیاء علیهم السلام فرض است، چه آنهایی که در قرآن کریم ذکر شده‌اند و چه آنانی که در قرآن نامه‌های شان ذکر نشده است. البته آن پیامبرانی که ذکر شان در قرآن کریم نیامده است باید بصورت اجمالی به آنان ایمان داشت.

۴. دلایل اثبات ایمان به پیامبران

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵]

ترجمه: «پیامبر خدا بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند و گفتند: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا، آموزش تو را خواستاریم و فرجام به سوی تو است.»

فعالیت

شاگردان در مورد تأثیرات مهم و مثبتی که پیامبران در جوامع انسانی گذاشتند، بحث نمایند.

۵. حکم ایمان به انبیا و رسولان

ایمان آوردن به همهٔ انبیا و رسولان، فرض و از ارکان عقیدهٔ اسلامی می‌باشد؛ لذا انکار یک نبی یا رسول، انکار همهٔ پیامبران محسوب می‌گردد. از همین رو مسلمان مطابق عقیده اش گواهی می‌دهد که در ایمان آوردن بین هیچ نبی تفاوتی قابل نیست و به همه پیامبران ایمان دارد، چون همگی از سوی الله ﷻ فرستاده شده اند.

۶. نبوت یک عطیۀ الهی است

نبوت یک عطیۀ الهی است و به هر کسی که او بخواهد، می‌دهد و با شوق و کوشش شخصی، یعنی با عبادت و ریاضت به دست نمی‌آید. الله ﷻ در توصیف انبیای بزرگوار می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۷] ترجمه: «بدون تردید آنها در نزد ما از برگزیده شده گانند»

فعالیت: شاگردان در بارۀ حکم ایمان به انبیا و رسولان باهم بحث کنند.

۷. تفصیل ایمان به انبیا و رسولان

تفصیل ایمان به انبیا و رسولان در روشنی قرآن و سنت مختصراً چنین است:

۱. ایمان داشتن به هر پیغمبری که نامش در قرآن ذکر است و جمعاً به بیست و پنج نفر می‌رسد و همچنان ایمان داشتن به اینکه خداوند متعال غیر از پیامبران مذکور، پیامبران دیگری هم فرستاده است.

۲. ایمان و یقین کامل داشتن به اینکه محور دعوت همهٔ انبیا، توحید و یگانگی خداوند و عبادت اوست.

۳. ایمان داشتن به همه پیامبران و تصدیق نبوت و رسالت آنها و ایمان به اینکه بعضی از پیامبران فضیلت بیشتری نسبت به بعضی دیگر دارند و برترین شان حضرت محمد ﷺ است.

۴. باور به اینکه همه پیامبران انسان هستند و هیچ نوع خصوصیت الوهیت در آنان وجود ندارد.
۵. ایمان داشتن به اینکه انبیا و رسولان، نسبت به همه مردم از لحاظ علم، عمل و اخلاق، کامل اند و رسالت خود را با کمال امانتداری ادا نموده اند.
۶. باورداشتن به اینکه الله ﷻ برای تصدیق انبیا معجزه‌های به آنان داده است.
۷. ایمان داشتن به اینکه سلسله نبوت با حضرت محمد ﷺ به پایان رسیده و ایشان به سوی همه مردم فرستاده شده اند و بعد از رحلت ایشان تا قیامت هیچ نبی و رسول دیگری نمی‌آید و سلسله وحی هم به آخر رسیده است.

فعالیت

در قرآن کریم نام چند پیغمبر ذکر شده است؟

۸. معنای ایمان به انبیا و رسولان

الله ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶]

ترجمه: «بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اولادش نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم»

معنای ایمان به انبیا و رسولان این است که انسان باید یقین داشته باشد که خداوند به بعضی از بنده‌گانش وحی می‌کند تا مردم را به نعمت‌های الهی مژده بدهند و از عذاب او بترسانند و همه اینها به خاطر رسیدن به یک مقصد انجام می‌گیرد که عبارت است از: عبادت الله، اقامه دین و یگانه دانستن الله ﷻ در ربوبیت، الوهیت، و اسماء و صفاتش.



۱. نبی و رسول را تعریف کنید.
۲. نبی و رسول چه فرقی دارند؟ مختصراً بیان کنید.
۳. آیا نبوت با کوشش شخصی حاصل می‌شود؟
۴. دلایل وجوب ایمان به انبیا و رسولان را ذکر کنید.
۵. نام چند پیغمبر در قرآن کریم آمده است؟ معلومات ارایه بدارید.
۶. حکم ایمان به انبیا و رسولان چیست؟



شاگردان درباره وظایف انبیاء علیهم السلام یک مقاله مختصر بنویسند.

صفات انبیا و رسولان

الله ﷻ پیامبران را با صفات والا و نیکویی آراسته است تا بتوانند به خوبی مردم را به راه‌های نیک دعوت کنند. همچنان خداوند متعال آنان را از تمام صفاتی که مناسب مقام نبوت نیست، پاک نگهداشته است.

صفات انبیا

برخی از صفات پیامبران در قرآن کریم ذکر گردیده که قرار ذیل می‌باشد:

۱. بشر بودن: همه پیامبران بشر اند، می‌خورند و می‌آشامند، می‌خوابند و بیدار می‌شوند، گرسنه و تشنه می‌شوند، ازدواج می‌کنند، غیب نمی‌دانند و از همه صفات بشری برخوردار اند. این بدان خاطر است که پیامبران باید با مردم نزدیک بوده، از تمام ضرورتها و صفات انسانی آنان با خبر باشند. آنها راه مستقیم را به مردم نشان می‌دهند و خداوند متعال با فرستادن آنان حجت خود را بر بنده‌گان قایم کرده تا مردم عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

[التوبة: ۱۲۸]

ترجمه: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است»

و نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ [الک‌هف: ۱۱۰]

ترجمه: «بگو من هم مثل شما بشری هستم [ولی همینقدر که] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است»

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً﴾ [الرعد: ۳۸]

ترجمه: «و قطعاً پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم»

۲. تبلیغ: پیامبران مأمور اند تا احکام الهی را به مردم برسانند تا آنان به خوشبختی‌های دنیا و آخرت رهنمایی شوند. این کاری است که همه پیامبران بدون کم و کاست انجام داده اند. الله ﷻ در این باره می‌فرماید:

﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾ [المائدة: ۹۹]

ترجمه: «بر پیامبر [وظیفه] جز ابلاغ [رسالت] نیست»

در آیه دیگر همین سوره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ [المائدة: ۶۷]

ترجمه: «ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی، پیامش را نرسانده‌ای»

۳. **خردمندی و بصیرت:** هر نبی باید هوشیار، عاقل و دور اندیش باشد، نه غافل و بی پروا. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعَلَّمْنَا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الانبیاء: ۷۹]

ترجمه: «پس آن [داوری] را به سلیمان فهمانیدیم و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم و کوهها و پرندگان را با داوود به نیایش واداشتیم و ما کننده [این کار] بودیم» و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابَ﴾ [ص: ۲۰]

ترجمه: «و پادشاهیش را استوار کردیم و او را حکمت و کلام فیصله کن عطا کردیم» و نیز می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵]

ترجمه: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است، گفتگو و مناقشه نما»

۴. **مرد بودن:** همه علماء به این اتفاق دارند که نبی باید مرد باشد، و زن نمی‌تواند به منصب رسالت برسد. چون خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ﴾ [یوسف: ۱۰۹]

ترجمه: «و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم» چنانکه می‌بینید در این آیات لفظ رجل ذکر شده است و در عربی رجل به مرد گفته می‌شود. در آیه دیگر آمده است: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رِجُلًا﴾ [الأنعام: ۹]

ترجمه: «و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتما وی را [به صورت] مردی در می‌آوردیم» در این آیه مبارکه هم لفظ مرد ذکر شده است.

۵. **پاک بودن از عیوب:** پیامبر باید از عیوب ذیل پاک باشد:

الف: هر پیغمبر باید در وقت بعثتش از همه مردم زمانش از لحاظ خلقت برتر و بالاتر باشد.
ب: هر پیغمبر باید از عیوب و امراض همچون پیس، جذام و غیره که طبیعت انسانی از آن نفرت دارد، پاک باشد.

ج: نبی دارای چنان کسبی نباشد که عرف آن را بد بداند. مانند: نعل کوبی و غیره.
د. نبی باید سخت دل نباشد، چون اگر نبی قسی القلب و بی رحم باشد، مردم از او گریزان می‌شوند خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَسْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]

ترجمه: «پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل می‌بودی، قطعاً از دور تو پراکنده می‌شدند».

۶- عصمت: الله ﷻ به پیامبرانش در کنار دیگر صفات نیکو، صفت عصمت را نیز داده است که سایر انسانها از آن برخوردار نیستند و صفت عصمت لازمه هر پیغمبر می‌باشد.

تعریف عصمت

عصمت در لغت به حفظ و نگهداری گفته می‌شود.
و در اصطلاح علم عقاید عبارت است از: آن لطف الهی که پیامبر را به انجام کارهای نیک تشویق و از کارهای بد نگه می‌دارد؛ اما اختیار را از انسان ساقط نمی‌سازد تا حقیقت امتحان و آزمایش باقی بماند.

شرح تعریف

الله ﷻ همه پیامبرانش را به فضل و کرم خود پیش و بعد از نبوت از همه گناهان دور نگهداشته و چنان قدرتی به آنان داده که آنان را به انجام کارهای نیک تشویق نموده و از کارهای بد باز می‌دارد؛ اما اختیار را از آنها سلب نمی‌کند.

عصمت انبیا علیهم السلام از گناهان

برای وضاحت بیشتر، عصمت انبیا باید گفت که گناه به دو قسم است:
أ. **گناهان کبیره:** به گناهی گفته می‌شود که در دنیا برایش حد تعیین شده و یا به مرتکب آن وعید آتش داده شده باشد یا هم اینکه انجام دهنده آن مورد لعن و غضب قرار گرفته باشد.

ب. **گناهان صغیره:** گناهانی است که در دنیا برایش حد تعیین نشده و در آخرت هم عذابی برای آن مشخص نگردیده باشد.

انبیا -علیهم السلام- از همه گناهان اعم از کبیره و صغیره مانند: کفر، دروغ و غیره پاک اند و قصداً یا سهواً چنین گناهی از آنان سر نزده و آنان معصوم می باشند.

دلایل این عصمت

یکی از مهم ترین دلایل عصمت پیامبران، رساندن پیام خدا به مردم است؛ قرآن کریم در این باره به صدق و راستی آنها گواهی می دهد: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾ [النجم: ۳-۴]

ترجمه: «و از سر هوس سخن نمی گوید، این سخن بجز وحی که وحی می شود، نیست»
و نیز می فرماید: ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿۱﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿۲﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿۳﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ [الحاقة: ۴۴-۴۷]

ترجمه: «و اگر می بست پیغمبر بر ما بعض سخن راه دست راستش را می گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می کردیم، و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی شد»
همچنان در حدیث شریفی آمده است: «عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قالوا: یا رسول الله إنک تداعبنا؟ قال: لا أقول إلا حقاً.»

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که اصحاب فرمودند: ای رسول خدا! شما با ما شوخی می کنید؟ رسول خدا فرمود: من چیزی جز حق نمی گویم.
از جانب دیگر، انبیا برای دیگران سرمشق الگو هستند و این الگو بودن بدون عصمت آنان از هر نوع گناه ممکن نیست. لذا خداوند آنان را از هر گناهی پاک نگهداشته است. الله جل جلاله می فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَ﴾ [الانعام: ۹۰]

ترجمه: پیامبران کسانی اند که خداوند راه را به آنان نشان داده است، پس تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن!

و نیز در توصیف آنان می فرماید: ﴿وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۸]

ترجمه: و هر یک از آنان از بنده گان برگزیده اند»

و باز در باره آنها می فرماید: ﴿وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الأنعام: ۸۷]

ترجمه: «آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت شان نمودیم»

فعالیت: شاگردان درباره صفات انبیا باهم بحث کنند.



۱. دلایل بشر بودن پیامبران را بیان کنید.
۲. دلایل صفت تبلیغ را بیان نمایید.
۳. دلایل صفت فطانت و زیرکی را ذکر کنید.
۴. انبیاء باید از کدام عیوب پاک باشند؟
۵. معنای لغوی و اصطلاحی عصمت را بیان کنید.
۶. آیا انبیاء - علیهم السلام - پیش از بعثت از گناه معصوم می‌باشند؟
۷. آیا انبیاء بعد از بعثت از گناه معصوم می‌باشند؟
۸. دلایل عصمت انبیاء را بیان کنید.



در باره اخلاق و سیرت نیکوی حضرت محمد ﷺ یک مقاله بنویسید.

پیغمبران اولوالعزم

همه پیامبران در پیشگاه الله ﷻ صاحب عزت و منزلت اند و همه پیامبران صاحب عزم و صبر و بردباری بودند، اما خداوند متعال عزم و پایداری برخی از پیامبران را ستوده است. این دلالت می‌کند که آنها نسبت به دیگر پیغمبران عزم بیشتری داشتند و در نزد خداوند متعال مقام و منزلت شان بلندتر است.

تعریف عزم

عزم به معنای صبر، ثبات و انجام دادن یک کار با اراده بسیار قوی است. چرا به بعضی از پیامبران اولوالعزم گفته می‌شود؟ این پیامبران در کار دعوت و رسالت از صبر و بردباری زیادی کار می‌گرفتند، به همین خاطر خداوند متعال آنان را با صفت اولوالعزم ستوده است.

تعداد پیغمبران اولوالعزم

در این باره اقوال مختلفی از علما نقل شده که نزد جمهور دانشمندان مسلمان، پیامبران اولوالعزم پنج تن اند: حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

خداوند متعال پیامبران اولوالعزم را در این آیه ذکر کرده است:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [الأحزاب: ۷]

«و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم»
و در این آیه مبارکه هم ذکر شده است:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ [الشوری: ۱۳]

ترجمه: «از [احکام] دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید. گران می آید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی، خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می نماید.»

فعالیت: شاگردان در باره تعداد پیامبران اولوالعزم باهم بحث کنند.

فضیلت پیغمبران اولوالعزم:

این پیامبران اولوالعزم نسبت به همه پیامبران دیگر فضیلت زیادی دارند؛ و بافضیلت ترین همه شان حضرت محمد ﷺ است.

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «خَيْرُ وَلَدِ آدَمَ نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَعِيسَى وَمُوسَى وَ مُحَمَّدٌ وَ خَيْرُهُمْ مُحَمَّدٌ»^(۱)

ترجمه: «در بین فرزندان آدم علیه السلام برترین شان نوح، علیه السلام ابراهیم علیه السلام، عیسی علیه السلام موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشند و بهترین ایشان محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

و در حدیثی که امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده آمده است: «أَنَا سَيِّدُ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ»^(۲)

ترجمه: «من در روز قیامت سید و بزرگ فرزندان آدم علیه السلام هستم، پیش از همه قبر من باز می شود، من اولین شفاعت کننده هستم و پیش از همه شفاعت من قبول می شود.

فعالیت: شاگردان، فضیلت پیامبران اولوالعزم را بیان کنند.



۱. عزم را تعریف کنید.
۲. چرا به بعضی از پیامبران، اولوالعزم گفته می شود؟
۳. پیامبران اولوالعزم چند نفر اند؟
۴. در باره فضیلت پیامبران اولوالعزم یک حدیث شریف بیان کنید.

^۱ - اخرجه ابن عساکر

^۲ - صحیح مسلم - باب تفضیل نبینا محمد ﷺ علی الجميع

معجزه و کرامت

۱. معجزه

تعریف معجزه: کلمه معجزه از مصدر اعجاز گرفته شده که در لغت ناتوان و عاجز ساختن را گویند.

و در اصطلاح عبارت است از کار و یا سخن عاجز کننده و خارق العاده که خداوند متعال به قصد تأیید نبی و رسول از او صادر می کند که دیگر انسانها از انجام آن عاجز اند.

شرح تعریف

معجزه به کار و یا سخنی گفته می شود که از مدعی نبوت و رسالت صادر می شود و دارای شرایط ذیل است:

۱. معجزه باید عاجز کننده باشد (طرف مقابل از انجام آن عاجز شود) و اگر چنین نباشد، معجزه نیست.

۲. به خاطر تأیید دعوای نبوت و رسالت باشد پس اگر کسی کار خارق العاده ای انجام دهد، اما دعوای نبوت و رسالت نداشته باشد، آن کارش معجزه گفته نمی شود.

۳. کار خارق العاده با دعوا برابر باشد.

انواع معجزه

معجزه پیامبران دو نوع است:

۱. معجزه محسوس.

۲. معجزه غیر محسوس.

اول: معجزه محسوس: معجزه ای است که انسان با حواس پنجگانه اش آن را درک کرده می تواند. مانند خارج شدن اشتر از کوه با دعای صالح علیه السلام، بینا شدن کور مادرزاد با دعای عیسی علیه السلام، تبدیل شدن عصای موسی علیه السلام به مار و حادثه اسرا و معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دو نیم شدن ماه و فواره زدن آب از انگشتان مبارک آن حضرت، و دیگر معجزات ایشان.

دوم: معجزه غیر محسوس: این معجزه ای است که به وسیله عقل درک می‌شود، مثل معلومات دادن از حوادث غیبی آینده. و قرآن که بر حضرت محمد ﷺ نازل شد، بزرگ ترین معجزه ایشان است.

حکم معجزه

ایمان داشتن به معجزات پیامبران فرض است. چون معجزه هر پیغمبر یک مدد و کمک الهی است که راستی پیغمبر را ثابت می‌سازد. پس آن طور که ایمان داشتن به خود پیغمبر فرض است، ایمان به معجزه او نیز فرض می‌باشد.

فعالیت: شاگردان در باره معجزه باهم بحث کنند.

۲. کرامت

تعریف کرامت

کرامت در لغت به عزت و گرامی داشتن گفته می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ [الإسراء: ۷۰]

ترجمه: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم»
و در اصطلاح عبارت از کاری است که از ولی (بنده مقرب خداوند ﷺ) صادر می‌شود.

شرح تعریف

اگر یک کار عادتاً ناممکن از شخصی صادر شود که عقیده و عملش مطابق اسلام باشد، کرامت گفته می‌شود، اما اگر عقیده و عمل شخص مطابق اسلام نباشد، کار خارق العاده او استدراج است نه کرامت.

دلیل اثبات کرامت

کرامت اولیاء با دلایل زیادی ثابت است، طوری که الله جل جلاله در باره مریم علیها السلام می‌فرماید: ﴿كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ [آل عمران: ۳۷]

ترجمه: «هر بار که زکریا در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت [می‌گفت] ای مریم این از کجا برای تو [آمده است او در پاسخ می‌گفت] این از جانب خداست»

داستان اصحاب کهف که در قرآن ذکر شده است، به کرامت اصحاب کهف دلالت می‌کند. در دوران صحابه از صحابیان متعدد کرامات گوناگونی ظاهر شده که تفصیل آن در کتب حدیث و تاریخ وجود دارد.

فعالیت

شاگردان داستان اصحاب کهف را قسماً به نوبت بیان کنند.

حکم کرامت

کرامت اولیا برای تأیید و کمک آنها و برتری دین ثابت و حق است، اما کرامت در اختیار ولی نیست. پس ضرور نیست که از هر ولی کرامت صادر شود؛ چون کرامت به اراده و خواست خدا بستگی دارد، و با کرامت کدام حکم جدید دینی ثابت نمی‌شود.



۱. معجزه و کرامت را تعریف کنید.
۲. انواع معجزه را بیان کنید.
۳. حکم معجزه چیست؟
۴. دلایل اثبات کرامت را بیان کنید.
۵. خداوند متعال به چه مقصدی از ولی، کرامت صادر می‌کند؟



شاگردان در باره معجزه مقاله ای بنویسند و برخی از معجزات پیامبران علیهم السلام را نام بگیرند.

استدراج و سحر

۱. استدراج

تعریف استدراج

استدراج در لغت به معنای بالارفتن گام به گام است. و در اصطلاح به کار خارق العاده ای مانند سحر گفته می شود که از اشخاص کافر یا فاسق صادر می شود.

شرح تعریف

هرگاه کاری از یک کافر، فاسق، کاهن، نجومی، ساحر و یا نیرنگ باز صادر گردد، به آن استدراج گفته می شود.

هر اندازه که سرکشی این افراد زیاد شود، خداوند به همان اندازه نعمت های خود را بر آنان گسترده تر می سازد تا قدم به قدم به هلاکت نزدیک شوند و حجت خدا بر آنان قایم گردد. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۲]

ترجمه: «و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج ایشان را خواهیم گرفت از جائیکه ایشان نمی دانند.»

۲. سحر

تعریف سحر

سحر در لغت به نیرنگ، باریکی و تغییر دادن شکل یک چیز گفته می شود که سبب ظاهری نداشته باشد.

و در اصطلاح عبارت است از کار خارق العاده ای که به کمک شیاطین از نفس های بد و خبیث صادر می شود.

شرح تعریف

سحر در زبان عربی به نیرنگ بازی و عمل ظریفی گفته می شود که سبب ظاهری آن دیده نمی شود.

و در اصطلاح به کارهای عجیب و غریبی گفته می‌شود که از دست اشخاص بی التزام به دین و بد عمل، صادر می‌شود که با گفتن الفاظ کفری و به کمک شیطان، انجام می‌گیرد و این اشخاص با یادگیری و تمرین به آن دست رسی پیدا می‌کنند.

اگر کسی با سرعت دست و چالاکی و یا با استفاده از دواهای خاص، کار عجیب و خارق العاده ای انجام دهد، سحر حقیقی گفته نمی‌شود.

وجود سحر

وجود سحر از روی قرآن و احادیث نبوی و اجماع امت ثابت است.

الله ﷻ در بارهٔ ساحران موجود در زمان موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾ [الأعراف: ۱۱۶]

ترجمه: «گفت: شما بیفکنید و چون افگندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند.»

یادگیری سحر

یاد دادن و یاد گرفتن سحر حرام است. و هرگاه سحر بر بنیاد عقیدهٔ کفری استوار باشد، یادگرفتن آن کفر بوده و یاد گیرندهٔ آن واجب القتل می‌باشد.

فرق سحر و معجزه

فرق زیادی بین سحر و معجزه وجود دارد که برخی از آنها قرار ذیل است:

۱. سحر از نفسهای شریر و پلید صادر می‌شود، اما معجزه از نفسهای پاک و عزیزی که به الله ﷻ بسیار نزدیک اند.

۲. در معجزه تحدی و چالش وجود دارد، ولی در سحر چالشی در کار نیست.

۳. سحر با انجام اعمال ناروا و با استمداد از شیاطین صورت می‌گیرد، اما معجزه تنها به کمک و خواست الله ﷻ است.

۴. یادگیری سحر با آموزش و تمرین ممکن است، اما در معجزه پیغمبر فقط از خداوند تحقق آن را تقاضا می‌کند.

۵. معجزه حقیقت یک چیز را تبدیل می‌سازد، اما سحر تنها شکل ظاهری را تغییر می‌دهد.

۶. با معجزه حقانیت پیغمبر ثابت می‌شود، اما سحر جز یک کار گناه نیست، که برای گمراه ساختن مردم و گسترش فساد در روی زمین انجام می‌گیرد و جز زیان هیچ فایده ای ندارد.
۷. سحر به شرایط، جای و وقت خاصی بستگی دارد؛ اما معجزه شرط خاص، جای و وقت معینی ندارد.
۸. معارضه و مقابله با سحر ممکن است، اما مقابله با معجزه محال می‌باشد.

فعالیت: در روشنی این درس بگویید که ساحر و منجم با هم چه فرقی دارند؟



۱. استدراج و سحر را تعریف نمایید؟
۲. دلیل اثبات استدراج و سحر را بگویید.
۳. یادگیری سحر چه حکم دارد؟
۴. فرق معجزه و سحر را واضح سازید.



شاگردان در باره استدراج و سحر و اثرات آن مقاله ای بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.

قضا و قدر

یکی از ارکان ایمان، عقیده به قضا و قدر است. ایمان داشتن به قضاء و قدر موضوعی است که تأثیر آن در عقیده، سلوک، کردار و زنده گانی مسلمانان در کلیه حالات خوب و بد نمایانگر می باشد.

تعریف قضا و قدر

ا. قضا: قضا در زبان عربی فیصله کردن، پیدا کردن و حتمی بودن را گویند.
ب. قدر: قدر در زبان عربی به حکم، فیصله و اندازه گفته می شود.
و در اصطلاح، قضا و قدر عبارت از آن تقدیر و اندازه است که الله تعالی بر اساس علم شامل و حکمت خود در کاینات تعیین نموده است.^۱

شرح تعریف

جهت فهم درست موضوع قضاء و قدر فهم نکات آتی ضروریست:
۱. **علم ازلی الله تعالی:** به این ایمان داشتن که الله تعالی به هر چیز بطور اجمالی و تفصیلی و به تمام حالات گذشته و آینده، عالم و داناست، همانگونه که به افعال خود علم کامل دارد به کردار و عملکردهای بنده گان خود نیز علم همه جانبه و فراگیر دارد.
همچنان به حوادث و تغییرات و تحولات گذشته و آنچه در آینده صورت می گیرد طوری علم دارد که هیچ چیزی از علم او تعالی ناپدید نیست.

الله جل جلاله میفرماید: ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [السبا: ۳]

ترجمه: آن (الله ﷻ) به همه پوشیده ها علم دارد از او به اندازه یک ذره نه در آسمان ها پنهان می ماند و نه در زمین، نه از اندازه ذره کوچکتر و نه بزرگتر (چیزی است) مگر آنکه هر چیزی در یک دفتر آشکارا درج می باشد.

۱- الفاظ قضا و قدر در زبان عربی به مفاهیم متعددی استعمال می شود مگر در علم عقاید هر دو لفظ مترادف می باشند

۲. همه چیز، در لوح محفوظ نوشته شده است

به این هم ایمان داشتن فرض است که الله تعالی بر هر آنچه که به مخلوقات ارتباط دارد، عالم است و آن در لوح محفوظ نوشته است، یعنی تمام مقدرات مخلوقات را که برای شان اتفاق می افتد و یا آنها انجام می دهند، خداوند بر اساس علم قدیم خود نوشته است.

الله تعالی در این باره فرموده اند: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ﴾ [القدر: ۵۲، ۵۳] ترجمه: و هر چه ایشان می کنند، نوشته شده در لوح محفوظ، و هر سخن کوچک و کلان، نوشته شده است. پیغمبر ﷺ فرموده اند: «كُتِبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ...»^(۱)

ترجمه: الله تعالی اندازه ها (تقدیر) مخلوقات را پنجاه هزار سال قبل از پیدایش آسمانها و زمین نوشته کرده است.

۳. **مشیت و رضای الله تعالی:** به این ایمان داشتن فرض است که هیچ چیز بدون رضا، اراده و مشیت الله تعالی از عدم به وجود نمی آید، پس چیزی را که الله جل جلاله بخواهد آن می شود و چیزی را که نخواهد، نمی شود.

الله تعالی می فرماید: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾ [القصص: ۶۸] ترجمه: پروردگارت می آفریند هر چی را بخواهد و می گزیند هر کی را خواهد. در آیت دیگری فرموده است: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۹] ترجمه: و به خواست شما هیچ کاری نمی شود تا آنکه الله رب العلمین بخواهد.

۴- با وجود اینکه هیچ چیز بدون اراده الله ﷻ بوجود نمی آید و هر چیز متعلق به اراده الله ﷻ است با آنها برای انسانها اختیار داده شده که هر که کار خوب انجام دهد به اختیار و اراده خود انجام می دهد و هر که کار ناشایسته و بد نماید به اراده و اختیار خویش میکند و خداوند متعال از قدیم به کنش کار خوب و بد عالم است و این علم خداوندی کدام اجباری در انجام کار خوب و بد اشخاص، ندارد؛ بلکه ایشان کارها را به خوشی و رضای خود انجام می دهند، در این مورد خداوند ﷻ چنین فرموده است: ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّنَا عَتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا﴾ [الکهف: ۲۹].

ترجمه: هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد (و اراده کند) کافر شود. ما به ستمگران آتشی را آماده کرده ایم که سرا پرده آن ایشان را احاطه می کند.

^۱ - صحیح مسلم

دلیل اثبات قضا و قدر:

قضا و قدر توسط آیات و احادیث زیادی ثابت گردیده است:
الله جل جلاله فرموده است: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹] ترجمه: ما هر چیزی را به اندازه معین پیدا کردیم.

در آیت دیگر می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ [الفرقان: ۲] ترجمه: و (الله) آن ذاتی است که تمام اشیا را آفریده و به آنها اندازه معین مقرر کرده است.

در حدیث شریف آمده: «وَتُؤْمِنُ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»^(۱) ترجمه: پیغمبر صلی الله علیه وسلم به جبرئیل علیه السلام گفتند: و اینکه تو ایمان داشته باشی به تقدیر خیر و شر.

در حدیث دیگر آمده: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ»^(۲)

هیچ گاه یک بنده ایمان دار نمی‌شود تا آنکه به تقدیر خیر و شر ایمان نداشته باشد، و تا بداند که آنچه برایش رسیده است، از وی خطا شدنی نبود و آنچه به وی نرسیده، برایش رسیدنی نبود.

حکم ایمان به قضا و قدر

ایمان داشتن به قضا و قدر فرض است.



۱. قضا و قدر را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات قضا و قدر را بیان نمایید.
۳. حکم ایمان به قضا و قدر را واضح سازید.
۴. کسیکه از قضا و قدر منکر گردد چی حکم دارد؟



شاگردان در باره تأثیرات روانی و اجتماعی قضا و قدر یک مقاله بنویسند.

۱ - صحیح مسلم - (۱ / ۲۸)

۲ - رواه الترمذی

برزخ

انسانان بعد از وفات با دو مرحله از زنده گی رو برو می گردند، یکی پس از مرگ تا روز قیامت که این مرحله را، زنده گی برزخ می گویند و مرحله دیگر پس از قیامت که زنده گی طولانی و ابدی آغاز می شود.

۱. تعریف برزخ

برزخ در لغت پرده و حایل را می گویند، و در اصطلاح علم عقاید، مرحله میان زنده گی دنیوی و اخروی (بعد از مرگ تا دو باره زنده شدن) برزخ گفته می شود.

شرح تعریف

از احادیث نبوی ﷺ معلوم می شود که: انسان زمانیکه از این جهان چشم فرو می پوشد، اگر مؤمن و نیکو کار باشد، در قبر حالات خوشی را احساس می کند و با نعمت های گوناگون نوازش داده می شود، و اگر بد کار و کافر باشد، احساس غم و حسرت می کند و در قبر به عذاب های گوناگون مبتلا شده، مجازات می گردد به این حالات قبر، برزخ گفته می شود.

فعالیت: شاگردان ارتباط میان تعریف های لغوی و اصطلاحی برزخ را بیان نمایند.

دلایل اثبات برزخ

مرحله برزخ به آیات متبرکه قرآن کریم و احادیث نبی کریم ﷺ ثابت گردیده است. الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ وَّرَانِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۰] ترجمه: و در ورای ایشان پرده برزخ (قبر) است (که آنان را نمی گذارد به دنیا برگردند) تا آن روزی که آنان در قیامت برانگیخته می شوند.

۲. نکی و منکر

تعریف نکی و منکر

نکی و منکر دو فرشته اند، الله جل جلاله جهت پرسش از مرده گان در قبر، آنها را موظف نموده است.

مورد سؤال قرار گرفتن مرده گان در قبر

وقتی که مرده در قبر دفن می‌شود و مردم از نزدش برمی‌گردند، دو ملک به نام‌های نکیر و منکر نزد مرده می‌آیند (مرده مکلف به امر الله تعالی دوباره زنده می‌شود، و عقل و فهمش دوباره برمیگردد) و از او در مورد رب، دین و نبی سؤال می‌کنند، اگر مرده جواب صحیح این سؤالات را داد و کامیاب گردید، از طرف الله تعالی برایش نعمت‌ها داده می‌شود و مرحله‌های بعدی بر وی آسان می‌شود و اگر ناکام شد، عذاب داده می‌شود و مرحله‌های بعدی نیز بر وی سخت تمام می‌شود.

دلیل اثبات مورد سؤال قرار گرفتن مرده در قبر

سؤال نکیر و منکر در قبر از مرده در قرآن کریم و به احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده است.

قرآن کریم: الله تعالی در این مورد فرموده است: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷] ترجمه: الله تعالی مؤمنان را در زنده‌گی دنیا و آخرت به سخن استوار ثابت قدم می‌نماید. و نبی کریم صلی الله علیه وسلم بیان نموده که در این آیت مراد از آخرت قبر است، زیرا قبر اولین منزل از منازل آخرت می‌باشد.

حدیث شریف: حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «إِذَا أَقْبِرَ الْمَيِّتُ أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَرْقَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَالْآخَرُ النُّكَيْرُ فَيَقُولَانِ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. فَيَقُولَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ هَذَا. ثُمَّ يُفْسَخُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ. ثُمَّ يُنَوَّرُ لَهُ فِيهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ نَمْ فَيَقُولُ أَرْجِعْ إِلَى أَهْلِي فَأَخْبِرْهُمْ فَيَقُولَانِ نَمْ كَنُومَةِ الْعُرُسِ الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَقُلْتُ مِثْلَهُ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ التَّمْيِي عَلَيْهِ فَتَلْتَمِسُ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ فِيهَا أَضْلَاعُهُ فَلَا يَزَالُ فِيهَا مُعَذَّبًا حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ»^(۱) ترجمه: هنگامیکه مرده در قبر نهاده شود، دو ملک نزدش می‌آیند که چهره‌های سیاه و چشمان آبی دارند، یکی آن را نکیر و به دیگرش منکر گفته می‌شود. آنها می‌پرسند تو در باره این

شخص (محمد ﷺ) چی می‌گویی؟ او در جواب می‌گوید، این شخص بنده الله تعالی و رسول اوست. من گواهی می‌دهم که بجز از الله تعالی، دیگر معبود بر حق نیست و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست. فرشته‌ها می‌گویند ما می‌فهمیدیم که تو همینطور می‌گویی. بعد از آن قبرش هفتاد در هفتاد گز فراخ و روشن می‌گردد، سپس برایش می‌گویند بخواب او می‌گوید من به خانواده خود می‌روم تا از حال خود به آنها مژده بدهم.

فرشته‌ها برایش می‌گویند: تو مانند آن عروس بخواب که او را غیر از عزیز ترین کس خانواده اش کس دیگری از خواب بیدار نمی‌کند (حال این مرده همین طور می‌باشد) تا آن وقتی که الله تعالی او را از این آرامگاهش بر خیزاند. اگر این مرده منافق باشد، پس در جواب می‌گوید که از مردم شنیده بودم که آنان می‌گفتند، من هم مانند شان گفتم، نمیدانم کی است، فرشته‌ها برایش می‌گویند، ما می‌دانستیم که تو همینطور می‌گویی. سپس به زمین گفته می‌شود که از دو طرف نزدیک شده و او را بفشارد، پس زمین بروی تنگ می‌شود و فشار می‌آورد که استخوان قبرغه هایش یکی در دیگر فرو می‌رود در این عذاب تا زمانی مبتلا می‌باشد که الله تعالی او را ازین محل بر انگیزاند.

۳. نعمت‌ها و عذاب قبر

شناخت قبر

با وصف آنکه قبر در اصطلاح عام به آن نقطه از زمین گفته می‌شود که مرده در آن دفن شده باشد، مگر در قسمت اثبات نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر، جایگاه مرده پس از مرگ مراد می‌باشد، خواه آن قبر حقیقی باشد یا جای دیگر مانند کسبکه در آب غرق شده باشد و یا آب او را برده باشد و یا کسی را پس از مرگ درنده خورده باشد و یا کسی او را سوختانده باشد و مانند اینها... الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: ۷] ترجمه: و الله تعالی بر می‌انگیزد کسانی را که در قبرها اند.

در این آیت از قبرها، عموم آن مراد است، به این مفهوم که الله تعالی مرده‌ها را بر می‌انگیزاند چه در زمین دفن باشند و یا سوخته باشند و یا درنده گان آنها را خورده باشند.

دلایل اثبات نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر

نعمت‌های قبر در آیات مبارکه قرآن کریم و به احادیث متبرکه رسول کریم ﷺ ثابت گردیده است.

۱. الله تعالى در قرآن کریم در رابطه به نعمت‌های مقرر در قبر می‌فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ

آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷] ترجمه: الله تعالى مؤمنان را

در زنده گی دنیا و در آخرت به سخن ثابت محکم و ثابت قدم می‌دارد.

۲. رسول ﷺ در باره قبر فرموده اند: «إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»^(۱)

ترجمه: بدون شک، قبر یا باغچه‌ای از باغچه‌های جنت و یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ است.

۳. نبی اکرم ﷺ از کنار دو قبری می‌گذشتند پس فرمودند: «إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ أَمَّا

أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ»^(۲) ترجمه: این دو (مرده)

در عذاب هستند از ناحیه کدام گناه بزرگ معذب نیستند (که خود داری از آن کار مشکل باشد) یکی آنها از پیشاب (قطرات آن) اجتناب نمی‌کرد و دیگری سخن چینی می‌کرد.

ایمان داشتن به سؤال نکیر و منکر و به نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر

ایمان داشتن به برزخ و به تمام آن کوایفی که در عالم برزخ به وقوع می‌پیوندد و نبی کریم ﷺ ما را از آن با خبر کرده اند، مانند سؤال نکیر و منکر، نعمت‌ها و عذاب قبر، فرض است.

۱ - رواه الترمذي.

۲ - صحيح البخاري (۱ / ۲۲۹)



۱. برزخ را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات برزخ را بگویید.
۳. نام های فرشتگان سؤال کننده در قبر چیست؟
۴. فرشتگان در قبر از مرده کدام چیزها را می پرسند؟
۵. در باره سؤال قبر یک دلیل نقلی بیان نمایید.
۶. قبر را تعریف کنید.
۷. در باره نعمت های قبر یک دلیل نقلی ارایه کنید.
۸. در باره عذاب قبر یک دلیل نقلی بیاورید.



شاگردان در باره حالات برزخ یک مقاله بنویسند که از هشت سطر کم نباشد.

بعث و حشر

همهٔ مسلمانان ایمان جازم و راسخ دارند، که حالات غیبی که الله تعالی در قرآن کریم و پیامبر ﷺ در احادیث ارشاد فرموده اند، حق است. مانند بعث، حشر، پیمایش اعمال، بهشت، دوزخ و امثال آن.

۱. بعث

تعریف بعث: بعث در لغت فرستادن، برانگیختن و زنده کردن را گویند. و در اصطلاح عقاید اعاده کردن دو بارهٔ ارواح به اجساد و برانگیختن انسان‌ها از قبرهای شان بعث گفته می‌شود.

شرح تعریف

بعث، نشور، نشأت ثانیه و معاد، الفاظ مترادف اند و در قرآن کریم برای یک حالت ذکر شده اند و آن زنده شدن پس از مرگ می‌باشد؛ به این معنی که مردگان به امر الله ﷻ از قبرهای خود بر می‌خیزند، بگونه ای که ارواح دو باره به قالب های شان جمع می‌شوند و از این حالت در قرآن کریم واحادیث شریف گاهی به لفظ بعث، گاهی به تعبیر نشر یا نشور و باری هم به نشأت ثانیه (زنده‌گی بار دوم) تعبیر گردیده است.

دلیل اثبات بعث:

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۶] ترجمه: پس از آن هر آینه شما در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

در آیت دیگری الله تعالی فرموده است: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: ۷] ترجمه: «و بدون تردید الله ﷻ کسانی را که در قبرها اند بر می‌انگیزاند».

ایمان داشتن به بعث

ایمان به بعث، رکن اساسی ایمان است؛ بنابراین ایمان به زنده شدن پس از مرگ، فرض است و کسیکه از بعث انکار ورزد، کافر می‌گردد.

۲. حشر (رستاخیز)

تعریف حشر: حشر عبارت از تجمع انسان‌ها است، جهت فیصله و حساب در روز قیامت.

شرح تعریف

در روز قیامت جمع کردن انسان‌ها را در موقف و میدان محشر، حشر گفته می‌شود. تمام انسانها به منظور آن در میدان محشر جمع می‌شوند تا آنکه اعمال و کردار آنها که در دنیا انجام داده اند محاسبه گردد، نیکی نیکوکاران و بدی بدکاران، شناسایی گردیده و نامه اعمال شان یا به دست راست و یا به دست چپ شان داده شود.

در بین آنان این فیصله تحقق می‌یابد که چه کسی مستحق جنت و چه کسی مستوجب دوزخ است که آن روز را حشر بزرگ نیز می‌گویند.

دلیل اثبات حشر

حشر در روز قیامت به دلایل زیادی ثابت است.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنْكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [البقرة: ۲۰۳] ترجمه: و بدانید که بدون شک شما به حضور الله تعالی جمع کرده می‌شوید.

در آیت مبارکه دیگر می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۹] ترجمه: و الله ﷻ آن ذاتی است که شما را در زمین پراکنده بیافرید و باز به سوی او جمع کرده می‌شوید.

رسول الله ﷺ در یک حدیث مبارک فرموده اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ إِلَى اللَّهِ خُفَاءَ عُرَاءَ غُرْلًا»^(۱) ترجمه: ای مردم به تحقیق شما در حالی که پاهای تان برهنه و بدن تان برهنه و ختنه نشده می‌باشید، به پیشگاه الله تعالی حشر می‌شوید.

کی‌ها حشر می‌گردند؟

انسان‌ها، جنیات و تمام مخلوقات زنده حشر می‌شوند. وقتی حیوانات اهلی و حیوانات وحشی یکی از دیگر انتقام گرفتند، آنها دو باره می‌میرند و خاک می‌شوند و تنها انسانها در محشر می‌مانند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التکویر: ۵] ترجمه: (و یاد کن آن روز را) وقتی که حیوانات وحشی جمع کرده شود.

در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۸] ترجمه: و نیست هیچ جنبنده در زمین و نه هیچ پرند که می‌پرد به دنبال خود، مگر هر یک از ایشان جماعت‌ها اند مانند شما فرو نگذاریم در نوشتن هیچ چیزی را؛ باز بسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد.

حدیث: از حضرت ابو ذر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله دو گوسفند را دیدند که یکی دیگر را با شاخ های خود می زدند، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابو ذر، تو می دانی که اینها چرا یکدیگر را با شاخ می زنند؟ من گفتم نمی دانم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مگر الله جل جلاله می داند که چرا، اینها یکدیگر را با شاخ می زنند و نزدیک است که در بین شان فیصله کند.^(۱) (که همانا روز محشر است) در حدیث دیگر در حق کسی که زکات حیوانات خود را نمی دهد، آمده است:

شتران، مالکان خود را زیر پاهای خود لگدکوب می کنند و بزها، مالکان خود را با پاها و شاخها می زنند.^(۲) در روایت دیگری آمده است: وقتی که الله تعالی حیوانات وحشی را جمع کرد و آنها یکی از دیگری انتقام خود را گرفتند، الله تعالی به آنها می گوید خاک شوید، آنها خاک می شوند در این وقت کافر نیز آرمان می کند که ای کاش من نیز خاک می شدم.^(۳)



۱. بعث را تعریف نمایید.
۲. حشر را تعریف کنید.
۳. دلایل اثبات بعث و حشر را بیان نمایید.
۴. بعث و حشر با هم چه تفاوت دارند؟ واضح سازید.
۵. الله تعالی در روز قیامت کدام مخلوقات را حشر می کند؟



با استناد به آیات قرآنی، حوادثی را که در قیامت رخ می دهد، در چند سطر بنویسید.

۱ - مسند احمد بن حنبل

۲ - متفق علیه

۳ - تفسیر بحر العلوم د ابو الیث السمرقندی. کتاب ۱ / ۴۶۷ تفسیر طبری، تیسیر الاعتقاد شرح لمعة الاعتقاد ۱ / ۴۲۱

شفاعت حضرت محمد ﷺ

آیا می‌دانید که شفاعت چی را می‌گویند و شفاعت چند نوع است و پیامبر اکرم ﷺ چی وقت و در حق کی شفاعت می‌کند؟
جهت فهم مطالب یاد شده، درس زیر را می‌خوانیم:

تعریف شفاعت

شفاعت در لغت خواستن نیکی و بخشش برای کسی را گویند و در اصطلاح علم عقاید: التماس به بارگاه الله تعالی است، در روز قیامت تا از جرم و گناه کسی بگذرد و او را مورد عفو قرار بدهد.^(۱)

دلیل اثبات شفاعت

۱- الله تعالی می‌فرماید: ﴿عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ [الإسراء: ۷۹] ترجمه: زود است که ترا پروردگارت به مقام ستوده شده برساند.
حضرت عبد الله بن مسعود، حذیفه بن الیمان، عبد الله بن عمر، سلمان فارسی و جابر بن عبد الله - رضی الله تعالی عنهم - می‌فرمایند که از (مقام محمود) شفاعت کبرای رسول اکرم ﷺ مراد است.^(۲)
۲- که آنحضرت ﷺ می‌فرمایند: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ»^(۳) ترجمه: من در روز قیامت سردار اولاد آدم ﷺ هستم، و من اولین کسی می‌باشم که از قبر بر می‌خیزم و من نخستین کسی هستم که شفاعت خواهی می‌کنم و اولین کسی می‌باشم که شفاعتم مقبول حق واقع می‌گردد.

۱- در این درس هدف از شفاعت، شفاعت پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ است که در روز قیامت در حق همه میکند.

۲- تفسیر زاد المسیر للامام ابن الجوزی رح - (۵ / ۷۶) و تفسیر النکت والعیون للامام الماوردی البصری (۳ / ۲۶۵)

۳- صحیح مسلم - ۷ / ۵۹.

اقسام شفاعت پیامبر اسلام ﷺ

۱. شفاعت کبری

هنگامی که تمام انسان‌ها در صحرای محشر جهت حساب اعمال شان جمع می‌شوند و به این انتظار می‌باشند که چی وقت الله تعالی با آنها محاسبه اعمال شان را شروع می‌کند، انسان‌ها به حضور رسول الله ﷺ می‌آیند و از آنحضرت ﷺ می‌خواهند که از الله تعالی بخواهد که با اهل محشر محاسبه را شروع فرماید. بعداً رسول کریم ﷺ به پیشگاه رب العزت به سجده می‌رود و به الله تعالی تضرع می‌کند الله تعالی برایش می‌فرماید: ای محمد! سر خود را بلند کن هر چه می‌خواهی برایت داده می‌شود و شفاعت قبول می‌شود.^(۱)

فعالیت: آیا امت‌ها از پیامبران دیگر نیز درخواست شفاعت می‌کنند؟ در این باره آنچه شنیده اید، بیان نمایید.

۲. شفاعت صغری

مراد از شفاعت صغری، سفارش خواهی پیامبر ﷺ است که برای مردم بصورت جداگانه می‌نمایند، که برخی از آنها قرار ذیل اند:

۱. شفاعت در حق کافه مؤمنان برای رفتن به جنت.
۲. شفاعت در حق کسیکه نیکی و بدی اش با هم برابر باشد، تا به جنت داخل شود.
۳. شفاعت در حق افراد گنهکار از امت پیامبر ﷺ تا الله تعالی گناهان شان را مورد عفو و آمرزش قرار دهد و آنان را از دوزخ کشیده و به جنت داخل کند.
۴. شفاعت آنحضرت ﷺ در حق نیکو کاران بمنظور ارتقای درجات و مراتب ایشان.
۵. شفاعت رسول اکرم ﷺ در حق بعضی از افراد که بدون محاسبه داخل جنت شوند.
۶. شفاعت برای کسانی که سزاوار عذاب هستند جهت تخفیف عذاب.^(۲)

^۱ - صحیح مسلم : ۴۷۲

^۲ - شرح العقيدة الطحاوية - (۱ / ۲۰۳)



۱. شفاعت را تعریف کنید.
۲. اقسام شفاعت رسول اکرم ﷺ را ذکر کنید.
۳. در اثر شفاعت رسول اکرم ﷺ کدام اشخاص از دوزخ رهایی می‌یابند؟



شاگردان عزیز به کتب احادیث مراجعه نموده چگونگی شفاعت کبرای رسول اکرم ﷺ را بصورت مکمل در کتابچه های شان رونویس نموده و در صنف با هم بخوانند.

وزن کردن اعمال

انسان در کره زمین بیهوده پیدا نشده ؛ بلکه تمام عملکرد هایش نوشته می شود و در روز قیامت با او محاسبه می گردد؛ نیکی ها و بدی هایش وزن می شود؛ کسیکه نیکی اش در پله ترازو گران شد، کامیاب و کسیکه پله ترازوی نیکی اش سبک شد، ناکام می باشد.

وزن اعمال چی را گویند دلیل آن چیست و چطور صورت می گیرد؟ در این درس به این پرسشها پاسخ ارایه می گردد.

چگونگی وزن کردن اعمال

در روز قیامت زمانیکه انسانها زنده می شوند، با سفارش خواهی حضرت محمد مصطفی ﷺ شمارش اعمال آن ها آغاز می شود، عملنامه مردم نیکو کار به دست های راست و از مردم بد کار به دست های چپ شان داده می شود. حساب شروع می گردد، مردم به گناهان شان اعتراف می کنند و وزن کردن اعمال در ترازو آغاز می شود. کسیکه پله نیکی هایش گران شود، به جنت می رود و کسیکه پله ترازوی بدی اش گران گردد، به مشیت و اراده الله تعالی قرار می گیرد. اگر الله تعالی بخواهد او را به جنت داخل می سازد و اگر بخواهد او را مدتی به جهنم می افکند و به قدر گناهانش او را مجازات و بعداً وارد جنت می نماید.

دلایل اثبات وزن شدن اعمال

وزن کردن اعمال به قرآن کریم و احادیث شریف ثابت است.

الله تعالی در مورد دفترچه های اعمال و حساب می فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۖ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۖ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ۖ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا﴾ [الانشقاق: ۷ - ۱۲] ترجمه: «و هر آنکس که عملنامه اش به دست راست وی داده شود، پس با او به آسانی حساب کرده می شود، و به نزد اهل و خویشان خود شادمان بر می گردد و به آن کس که عملنامه اش از قفا داده شود برای خویشتن هلاکت را می طلبد و به آتش در آورده می شود.»

در آیت دیگری در مورد وزن نمودن اعمال می‌فرماید: **«وَالْوِزْنُ يُوَمِّدُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»** [الأعراف: ۸] ترجمه: «و در آن روز سنجش {اعمال} حق

است، پس هرکس میزان‌های {عمل} او گران شود همان گروه رستگارانند»
با کافر محاسبه اعمال هست، مگر وزن و سنجش در میزان نیست؛ زیرا که در پله دیگر نیکی ندارد. الله تعالی در این باره فرموده است: **«أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا»** [الکهف: ۱۰۵] ترجمه: «آنان کسانی اند که به آیات {قرآن و دلائل قدرت} پروردگار شان و ملاقات او بی باور و کافرنند، و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر می‌رود و در روز رستخیز ارزشی برای ایشان قایل نمی‌شویم.»

راه های محو شدن بدی‌ها از دفتر اعمال

اگر از کسی عمل بد صادر شود، در عملنامه اش نوشته می‌شود، آیا کدام راه و چاره ای است که این بدی از صفحه عملنامه اش محو گردد؟

نیکی، بدی را محو می‌کند. الله تعالی می‌فرماید: **«إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»** (هود: ۱۱۴) ترجمه: بدون شک نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند.

برخی از نیکی‌ها که در امحای بدیها کمک می‌کند، قرار زیر اند:

۱. نیکی کردن بعد از بدی: رسول الله ﷺ به حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه فرمودند: **«اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتِبِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ»**^(۱) ترجمه: هر جائیکه باشی، از الله تعالی هراس داشته باش، پس از بدی به نیکی مبادرت کن که بدی را محو کند، و با مردم به اخلاق نیکو برخورد کن.

۲. بعد از ارتکاب گناه وضو کردن، سپس دو رکعت نماز خواندن و از خدای تعالی مغفرت خواستن: رسول الله ﷺ می‌فرماید: **«مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا فَيَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا غُفِرَ لَهُ»**^(۲) ترجمه: «هیچ شخص نیست که مرتکب گناهی شود، سپس وضو کند و وضویش را درست و نیکو انجام دهد، سپس دو رکعت نماز گزارد و در پی آن از خداوند مغفرت طلب کند، مگر آنکه خداوند پاک گناهش را می‌بخشاید.»

۱- مسند أحمد

۲- مسند أحمد

بنا بر این حدیث شریف، کسیکه مرتکب یک گناه شود؛ سپس وضو کند و وضو را به صورت کامل انجام بدهد، بعداً دو رکعت نماز بخواند و از الله سبحانه و تعالی طلب آمرزش نماید، الله ﷻ او را به یقین می‌آمرزد.

۳- صبر در مشکلات، مریضی‌ها و مصیبت‌ها: رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكَّهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ»^(۱) ترجمه: به مسلمان هیچ افسرده‌گی، مریضی، تکلیف، اندوه، ضرر و غم نمی‌رسد حتا فرو رفتن خار در پایش؛ مگر اینکه سبب آمرزش گناهانش می‌شود.

اعمال قابل توجه و با ارزش در ترازوی اعمال

تمام اعمال نیک، قابل توجه و با ارزش است که نباید ناچیز شمرده شود، مگر در روشنائی ارشادات نبوی ﷺ؛ بعضی از اعمال حین سنجش ترازو که پله را گرانبار می‌سازند، قرار آتی اند:

۱. اخلاق نیک: رسول الله ﷺ فرموده اند: «مَا شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَذِيءَ»^(۲) ترجمه: «هیچ چیز در روز قیامت در پله ترازوی مؤمن، سنگین تر از اخلاق نیک نیست، و الله ﷻ به اشخاص بد زبان، به نظر خشم می‌نگرد». همچنان داشتن اخلاق نیکو، نشان ایمان کامل است، رسول کریم ﷺ می‌فرمایند: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»^(۳) ترجمه: از همه مؤمنان، کاملترین ایشان از نگاه ایمان، همان مؤمنی است که نسبت به همه اخلاقش بهتر باشد.

۲. ذکر: ورد یومی داشتن و به کثرت خواندن اذکار دعاها و ماثور و مسنون؛ مانند: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ) اجر زیاد دارد، رسول الله ﷺ در این مورد می‌فرمایند: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»^(۴). ترجمه: دو کلمه است که بر زبان خفیف و در ترازوی اعمال وزین و به

^۱ - صحیح البخاری

^۲ - مسند الصحابه فی الکتب الستة - (۳۸ / ۱۲۵)

^۳ - سنن أبی داود - ن - (۴ / ۳۵۴)

^۴ - متفق علیه

نزد الله تعالى محبوب اند و این دو کلمه عبارت از: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» می باشند.

همچنین رسول الله ﷺ در مورد ذکر کلمه (الْحَمْدُ لِلَّهِ) فرموده اند: (الْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ) ترجمه: (الْحَمْدُ لِلَّهِ) میزان اعمال نیک را پر می نماید.



۱. اعمال انسانها چی وقت وزن می شود؟
۲. دلایل اثبات وزن کردن اعمال انسانها را بیان نمایید.
۳. اسباب محو کردن گناهان را بیان کنید.
۴. کدام اعمال در گرانبار شدن ترازوی سنجش اعمال، نقش زیاد دارند؟

حوض

بعد از حساب و سنجش اعمال در میزان و سپردن عملنامهٔ مسلمانان از حوض رسول الله ﷺ آب می‌نوشتند که تشنگی آنان فرو می‌نشید.

حوض، نیز از جملهٔ آن غیبات (امور پوشیده) است که ایمان داشتن به آن ضروری است.

تعریف حوض

حوض، محل تجمع آب را می‌گویند. در اینجا مقصد آن حوضی است که الله تعالی به پیامبر محبوب خود حضرت محمد ﷺ جهت تکریم و نوازش آنجناب ﷺ عنایت فرموده است، تا امت آنحضرت ﷺ از آن حوض آب بنوشند و رفع تشنگی نمایند.

دلایل اثبات حوض

حوضی را که الله تعالی در آخرت به پیامبر خود ارزانی می‌فرماید، در قرآن کریم و احادیث آنحضرت ﷺ ثابت گردیده است.

الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ [الکوثر: ۱] ترجمه: یقیناً ما به تو (محمد) کوثر دادیم. اکثر علما در اینجا از کوثر معنی حوض را دانسته‌اند؛ حوض در احادیث شریف نیز ثابت گردیده، و احادیث روایت شده در این مورد متواتر اند. شمار راویانی که درین مورد احادیث را روایت نموده‌اند، از پنجمصد نفر بیشتر است.

نبی کریم ﷺ در یک حدیث شریف که حضرت ابو ذرؓ روایت نموده، می‌فرماید: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا آتِيَةُ الْحَوْضِ؟ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يَتِيَهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَاكِبِهَا إِلَّا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُصْحِيَةِ آتِيَةُ الْجَنَّةِ مَنْ شَرِبَ مِنْهَا لَمْ يَظْمَأْ آخِرَ مَا عَلَيْهِ يَشْخَبُ فِيهِ مِزَابَانِ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ لَمْ يَظْمَأْ عَرَضُهُ مِثْلُ طُولِهِ مَا بَيْنَ عَمَانَ إِلَى أَيْلَةَ مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ»^(۱)

ترجمه: «حضرت ابو ذرؓ می‌فرماید: من از حضرت رسول اکرم ﷺ پرسیدم که تعداد ظروف حوض چقدر است؟ نبی کریم ﷺ فرمودند: قسم به آن ذاتی که نفس محمد در

^۱ - رواه مسلم.

اختیار اوست، شمار ظروف حوض از تعداد ستاره گان آسمان بیشتر است؛ از آن ستارگانی که در شب تاریک پدیدار می‌شوند، ظرفهایش از جنت است. هر کسی که از این حوض آب بنوشد، هر گز تشنه نمی‌گردد. در آن، دو ناوه از آب جنت می‌ریزد، کسیکه از این حوض آب بنوشد هیچگاه تشنه نمی‌شود. عرض و طول آن با هم برابر اند. مساحت آن عرضاً و طولاً به اندازهٔ مسافت عَمَّان الی ايله^(۱) است آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل است. »

در حدیث دیگری رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «خَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرِ وَزَوَايَاهُ سَوَاءٌ وَمَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرِقِ وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ وَكَيْزَانُهُ كُنْجُومِ السَّمَاءِ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا».^(۲)

ترجمه: حوض من به اندازهٔ یک ماه (راه پیمودن) فاصله، وسعت دارد. زاویه های آن با هم برابرند، آب آن از زر سفید (نقره)، سفید تر است و بوی آن از مشک خوشبوتر، ظرف های آن مانند ستاره گان آسمان اند، هر که از این حوض آب بنوشد، هیچگاه تشنه نمی‌شود.

حکم ایمان داشتن به حوض

ایمان و یقین به وجود حوض رسول الله ﷺ در روز قیامت، لازم و ضروری است. کسیکه به حوض اعتقاد دارد؛ مستحق ثواب و منکر آن مبتدع و فاسق شناخته می‌شود.

کدام اشخاص از حوض محروم اند؟

امام بخاری -رحمه الله تعالی- از حضرت انس رضی الله عنه روایت می‌کند که حضرت نبی کریم ﷺ فرموده اند: «لَيَرَدَنَّ عَلَيَّ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ حَتَّى عَرَفْتُهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي فَأَقُولُ أَصْحَابِي فَيَقُولُ لَا تَدْرِي مَا أَخَذْتُوا بَعْدَكَ»^(۳) ترجمه: بدون تردید بعضی از اصحاب من به طرف من، (کنار) حوض می‌آیند، که من آنان را می‌شناسم، سپس از نزدیک من برگردانده می‌شوند، من می‌گویم: اینها اصحاب من هستند، (منادی) می‌گوید: تو اطلاع نداری که آنها بعد از تو چه کارهای را انجام دادند.

همچنان در حدیث دیگر که اسماء بنت ابو بکر صدیق -رضی الله عنها- روایت می‌کند، رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ حَتَّى أَنْظُرَ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ وَسَيُؤْخَذُ أَنْاسٌ دُونِي

^۱ - ايله نام قدیم بیت المقدس بوده است، و عمان نام پایخت اردون امروزی است که در شمال عربستان سعودی واقع است.

^۲ - رواه مسلم.

^۳ - رواه البخاری.

فَأَقُولُ يَا رَبِّ مَنْنِ امْتِ. فَيَقَالُ أَمَا شَعَرْتَ مَا عَمِلُوا بِعَدِّكَ وَاللَّهِ مَا بَرَحُوا بِعَدِّكَ يَرْجِعُونَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ^(۱). ترجمه: من بالای حوض می‌باشم تا ببینیم از شما کی نزد من می‌آید، و به بعضی از مردم اجازه ورود بر من داده نمی‌شود، پس می‌گویم، ای الله! این شخص از من و از امت من است، پس گفته می‌شود: آیا تو خبر نداری که اینها بعد از تو چه کردند؟ قسم به الله که اینها بعد از تو بدون کمترین درنگی (از راه سنت تو) بر می‌گردیدند.» پس هر که از دین الله تعالی، انحراف نماید یا در دین کدام چیز نوری را به وجود آورد، از حوض رسول اکرم ﷺ طرد و رانده می‌شود و هیچگاهی از آن حوض آب نخواهد نوشید.



۱. حوض را تعریف نمایید.
۲. دلایل اثبات حوض را بیان کنید.
۳. حکم ایمان در باره حوض را واضح سازید.
۴. کدام اشخاص اند که به حوض راه داده نمی‌شوند؟

^۱ - رواه مسلم

صراط

زمانی که در میدان حشر، با انسانها حساب و کتاب می‌رسد، مطابق امر الله تعالی، فرشتگان مکرم، جهت گذشتن بندگان، بر متن (پشت) دوزخ، پلی می‌گذارند و خلائق از روی آن پل عبور می‌کنند.

تعریف صراط

صراط از نظر لغت به مفهوم راه کلان است.

و در اصطلاح: عبارت از پلی است که برای همهٔ مردم، در روز قیامت، بالای جهنم اعمار می‌گردد، مردم نیک از بالای آن عبور می‌نمایند و مردم بدکار از فراز آن به جهنم می‌افتند. زمانی که در محشر با انسانها محاسبه انجام می‌گیرد، بعد از آن، الله تعالی به ملائکه امر می‌کند که بالای جهنم پل اعمار کنند، و به بندگان فرمان داده می‌شود که از پل بگذرند.

عبور از پل، با عمل ارتباط مستقیم دارد. اگر عمل کسی خوب (صالح) باشد، به سهولت و آسانی از پل می‌گذرد و اگر زشت باشد، با بسیار مشقت از پل عبور می‌کند و یا اینکه در جهنم می‌افتد.

دلیل اثبات صراط

پل صراط و عبور کردن از آن به قرآن کریم، احادیث سرور کائنات ﷺ و اجماع امت ثابت شده است:

أ. قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا﴾** [مریم: ۷۱] ترجمه: «هیچ یک از شما نیست، مگر اینکه به جهنم وارد می‌شود» بعضی مفسرین کرام واژه «وارد ها» را به عبور ترجمه نموده اند، که تمام مردم در روز قیامت، یکبار از پل صراط عبور می‌نمایند.

ب. حدیث شریف: در احادیث متعدد، از پل صراط یاد شده است طوریکه رسول کریم ﷺ می‌فرماید: **«وَيُضْرَبُ جِسْرُ جَهَنَّمَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُجِيزُ وَدُعَاءُ الرَّسُولِ يَوْمَئِذٍ اللَّهُمَّ سَلِّمْ سَلِّمْ»**^(۱)

^۱ _ صحیح البخاری ت - (۱۶ / ۴۱۹). صحیح مسلم - (۱ / ۱۱۲)

ترجمه: و سپس به سر جهنم، پل نهاده می‌شود، پیغمبر ﷺ فرمودند: من اولین کسی هستم که از پل عبور می‌کنم و همگی پیغمبران در این وقت این دعا را می‌خوانند: ای الله! سلامتی می‌خواهم، ای الله سلامتی می‌خواهم.

ج. **اجماع امت:** تمام علمای اهل سنت و جماعت به این اجماع کرده‌اند که پل صراط حق است.

صفت پل صراط

در قرآن کریم پل صراط به صورت اجمالی یاد شده، مگر در احادیث شریف، به ارتباط پل صراط، معلومات کافی و موجه ارایه گردیده است.

هیچ کسی از آن پل، نظر به باریکی، عرض و پختگی آن عبور نمی‌تواند؛ مگر کسیکه در دنیا اعمال شایسته کرده و به توفیق الله تعالی، از فراز آن می‌گذرد.

حال عبور کننده گان از پل صراط

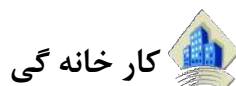
عبور کننده گان پل صراط، نظر به اعمال نیکو و اعمال زشت شان یکسان نمی‌باشند؛ بعضی به سرعت برق از آن عبور می‌نمایند، برخی مانند وزش باد تیز می‌گذرند، عده ای مانند اسب تندرو، می‌روند، شماری با دوش گذر می‌کنند، یک‌عده تند می‌گذرند، عده ای به حالت عادی عبور می‌کنند، مگر انسان‌های بد عمل، در پل صراط به چنگک‌ها می‌چسبند و سرنگون به جهنم پرتاب می‌شوند.

ایمان داشتن به صراط

ما باور کامل و ایمان جازم داریم که در روز قیامت، الله تعالی بر فراز دوزخ پل صراط را می‌نهد و انسانها از آن عبور می‌کنند؛ این صراط حقیقی است، که الله تعالی کیفیت آن را به صورت مکمل می‌داند.



۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی صراط را واضح سازید.
۲. در قیامت، نخست از همه، کی از پل صراط عبور می‌نماید؟
۳. پل صراط، در کجا نهاده می‌شود؟
۴. پل صراط حقیقی است یا مجازی؟



شاگردان خلاصه درس را در کتابچه های خود بنویسند.

جنت

چنانچه در درسهای گذشته خواندیم که الله تعالی، انسانها را از قبرهای شان بر می خیزاند و عملنامه هر انسانی به دستش داده می شود، و اعمال مؤمنان توسط میزان وزن کرده می شود و پله اعمال نیک هر که سنگین بود، با سر فرازی به جنت می رود.

تعریف جنت

جنت واژه عربی است و به معنی باغ فراخ و گسترده می آید، که زمین آن با درختان گوناگون پوشانیده شده باشد.

در شرع شریف: جنت عبارت از آن جایی است که الله ﷻ برای مؤمنان آماده ساخته و با نعمت های مختلف و متنوع و فرش های نفیس تزیین گردیده و مؤمنان برای همیشه در آن بود و باش خواهند کرد. جنت پاداش است از جانب الله متعال برای بنده گان صالح در بدل اعمال نیکی که در دنیا انجام داده اند.

شرح تعریف

لفظ جنت در زبان عربی دارای معانی متعددی است. مانند چیزی که از دید پنهان باشد، باغچه هایی که در آن بته های رنگارنگ و درختان میوه دار وجود دارد و با سایه های آن روی زمین پوشیده شده است.

از دیدگاه علم عقاید، جنت عبارت از جایی در آخرت است که در آن نعمت های رنگ و متنوع موجود می باشد. الله ﷻ جنت را برای کسانی آماده نموده که به الله تعالی، به ملائک او، به کتابهای او، به پیامبران او، و به روز آخرت ایمان جازم داشته باشند و در دنیا اعمال نیک انجام داده و زنده گی خود را مطابق با احکام خداوند و سنت نبوی عیار نموده باشند.

بهشت دارای نامهای زیادی است، مانند: دار السلام (خانه سلامتی) و فردوس.

دلایل اثبات جنت

اول: دلایل قرآنی: الله ﷻ در مورد خلقت جنت می فرماید: ﴿أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ آل عمران: ۱۳۳ [ترجمه: (آن بهشت) برای پرهیز گاران مهیا گردیده است.

الله تعالی در آیت دیگری می‌فرماید: «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ» [الحديد: ۲۱] ترجمه: «برای رسیدن به آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند بر یکدیگر سبقت جویید.»

دوم: دلایلی از حدیث: وجود جنت در احادیث زیادی ثابت گردیده است: نبی کریم ﷺ در یک حدیث فرموده اند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُعِدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ». ^(۱) ترجمه: حضرت ابو هریره رضی الله عنه از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که الله جل و علا فرموده اند: من برای بندگان صالح خود نعمت هایی را آماده کرده ام که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی صفت آنها را شنیده و نه در دل کدام بشر خطور کرده است.

جنتی‌ها (بهشتیان)

بهشت جایگاه مردم نیکو کار، پرهیزگار، دارنده گان ایمان استوار، اشخاص مقرب خداوند جل و علا است؛ آنانی که به احکام الهی منقاد بوده و از نواهیش اجتناب می‌ورزند.

ورود جنتی‌ها به جنت

اهل جنت گروه گروه، شادمان و سواره بسوی آن راه می‌افتند. الله تعالی در این مورد می‌فرماید: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا». [مریم: ۸۵] ترجمه: «{یاد کن} روزی را که پرهیزگاران را بسوی {خدای} رحمان گروه گروه محشور می‌کنیم.»

حضرت علی رضی الله عنه فرموده اند: آنان یعنی بهشتیان پیاده برده نمی‌شوند؛ بلکه بر آن محمل‌ها سوار می‌باشند، که خلائق، آن وسایل سواری را ندیده اند. ^(۲)

ایمان داشتن به وجود جنت

عقیده و باور باید داشت که الله تعالی جنت را قبل از پیدایش دیگر مخلوقات، آفریده است و اکنون هم موجود است و همیشه می‌باشد و هر گز فنا نمی‌گردد. ^(۳)

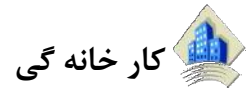
^۱ - صحیح مسلم

^۲ - تفسیر الطبری - (۱۸ / ۲۵۴)

^۳ - الفقه الأكبر - (۱ / ۶۳)، العقیده الطحاوی - (۱ / ۵۱)



۱. جنت را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات جنت را بگویید.
۳. جنت جای کدام مردم است؟
۴. جنتیان چطور به جنت برده می‌شوند؟
۵. حکم ایمان در رابطه به جنت چگونه است؟ بیان نمایید.



شاگردان در مورد اعمال نیکو یی که سبب دخول جنت می‌گردند؛ یک مقاله تحریر کنند.

جهنم

زمانی که خداوند متعال، همهٔ انسانها را از قبرهای شان دوباره بر می‌انگیزد، و به هر شخصی صحیفهٔ اعمالش داده می‌شود، اعمال آدمی شمرده می‌شود؛ مردمان مخلص و نیکو کار، وارد بهشت می‌شوند و مردمان بد کردار، که در دنیا مرتکب گناه شده بودند در دوزخ افکنده می‌شوند.

تعریف جهنم

جهنم به معنی کنده و گودال است. و در شرع، جهنم نام آن آتشی است که الله تعالی جهت تعذیب و مجازات کفار و مسلمانان گنهکار آفریده است.

شرح تعریف

جهنم، نام آن آتش است که الله تعالی برای کافران، مشرکان، منکران رسالت حضرت محمد ﷺ و مسلمانان گنهکار آفریده است. جهنم جای ابدی و دایمی کافران است، و مسلمانان گنهکار به اندازهٔ جرم و گناه شان در جهنم عذاب می‌شوند و سپس، از آن بیرون آورده می‌شوند. جهنم، نام های زیادی دارد؛ از قبیل: لظی، حطمه، سعیر، سقر، جحیم، هاویه، و نیز جهنم طبقه‌ها و درجه های زیادی دارد، که یکی از دیگر سخت تر و هلاک کننده تر است.

دلایل اثبات دوزخ

الله تعالی در قرآن کریم در بارهٔ دوزخ می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [البقره: ۲۴]

ترجمه: «پس از آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ‌ها اند، بترسید که برای کافران تهیه گردیده است».

در آیت کریمه دیگری، الله تعالى میفرماید: ﴿وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۱] ترجمه: «و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است» همچنان یاد دوزخ در احادیث زیادی وارد گردیده و تمام امت هم به موجودیت آن اجماع کرده اند.

جهنمیان (دوزخیان)

جهنم، جای کافران، منافقان، مجرمان، متمردان، ظالمان، گمراهان، دوستداران دنیا در برابر آخرت، بدکرداران و جایگاه کسانی است که با الله ﷻ و با رسول او تعالی دشمنی می‌ورزند و از ادای اوامر الله تعالی و رسول خدا کوتاه آمده و به راه حق گرایش ندارند.

بردن دوزخیان به جهنم

برخی مردم با چهره های پریشان، غبار آلود و سرچپه با روهای شان به جهنم برده می‌شوند؛ شخصی از رسول الله ﷺ پرسید: چگونه آنها بر روهای شان برده می‌شوند؟ پیامبر ﷺ برایش گفت: آن ذاتی که آنها را بر پاها برده می‌تواند، به این هم قادر است که آنان را بر روی های شان نیز ببرد.^(۱)

جهنمیان؛ مانند: حیوانات، گله گله رانده می‌شوند، و از هر طرف، ملائکه بالای آنها آواز می‌کنند، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا﴾ [الزمر: ۷۱]

ترجمه: «و آنانیکه کافر شدند دسته دسته سوی دوزخ برده شوند.»

در آیت دیگری الله تعالی میفرماید: ﴿يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا﴾ [الطور: ۱۳]

ترجمه: «روزی که به سختی روان کرده شوند، بسوی آتش دوزخ روان گردنی»

قبل از آنکه دوزخیان وارد جهنم گردند آوازی را می‌شنوند که پرده های گوش های شان را پاره می‌کند و از هراس زیاد و هیبت صدا، دل های شان می‌افتد.

الله ﷻ میفرماید: ﴿إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْطًا وَزَفِيرًا﴾ [الفرقان: ۱۲]

ترجمه: «هنگامی که {این آتش فروزان دوزخ} ایشان را از دور می‌بیند {و آنان چشمشان بدان می‌افتد} صدای خشم آلود و جوش و خروش آن را می‌شنوند».

^۱ - تفسیر الطبری ۱۹/۲۶۸

دوزخیان زیاد تشنه می‌باشند. الله تعالى فرموده اند: ﴿وَسُوقَ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا﴾. [مریم: ۸۶] ترجمه: و مجرمان را تشنه به طرف دوزخ می‌رانیم.

و هنگامیکه دوزخیان به جهنم برده می‌شوند، کور می‌گردند؛ هیچ چیزی را دیده نمیتوانند؛ همینطور گنگ می‌شوند، زبان شان تو انایی سخن گفتن را ندارد و کر می‌شوند و هیچ صدا یی را شنیده نمی‌توانند. الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمًيًا وَنُكْمًا وَصُمًّا﴾. [الإسراء: ۹۷]

ترجمه: «و در روز رستاخیز، ایشان را بر روی رخساره {کشانده} کور، گنگ و کر {از گورها} جمع می‌گردانیم»

الله تعالى می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْلَبُونَ وَنَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِبْئَسَ الْمِهَادُ﴾. [آل عمران: ۱۲] ترجمه: «ای محمد! به آنانیکه از دعوت شما انکار کرده اند بگو: آن وقت نزدیک است که شما مغلوب شوید و به طرف دوزخ دوان دوان رانده شوید که بد جایگاهی است.» و یا طوری که الله تعالى در این آیت ارشاد فرموده اند: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُخْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًا﴾. [مریم: ۶۸]

ترجمه: «سوگند به پروردگارت، هر آئینه کافران را همراه با شیاطین گرد می‌آوریم و سپس ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو در افتاده و ذلیلانه حاضر می‌سازیم.» این بدترین حالت ذلت و رسوایی است که الله تعالى آنرا تصویر نموده است. هنگامیکه آنها به طرف جهنم کشانده می‌شوند و حالت دهشتناک آتش را مشاهده می‌کنند، اظهار پشیمانی و ندامت می‌نمایند و به این آرمان می‌باشند که ای یکبار دیگر به دنیا برده شوند تا ایمان بیاورند و از آتش رهایی یابند.

الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنُكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾. [الأنعام: ۲۷]

ترجمه: «اگر تو (ای محمد!) آنان را مشاهده کنی، آنگاه که ایشان را (در کنار) آتش دوزخ نگاه می‌دارند، آنان می‌گویند: ایکاش! به دنیا بر می‌گشتیم و آیات پروردگار مان را تکذیب نمی‌کردیم و از زمره مؤمنان می‌شدیم»

حکم ایمان داشتن به جهنم:

ایمان به موجودیت دوزخ فرض است و کسی که منکر آن باشد، از دایره اسلام خارج می‌شود.^(۱)



۱. جهنم را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات دوزخ را بیان نمایید.
۳. دوزخ جای کدام مردم است؟
۴. کدام اعمال سبب داخل شدن در دوزخ می‌گردد؟
۵. دوزخیان چگونه به طرف دوزخ کشانیده می‌شوند؟
۶. حکم ایمان داشتن به وجود دوزخ را توضیح دهید.

^۱ - الفقه الأكبر - (۶۳ / ۱)، العقیده الطحاویة - (۵۱ / ۱)

نواقض ایمان (۱)

شرک اکبر

شرک ظلم بزرگی است که اسباب هلاکت انسان را فراهم می‌آورد و چنان گناه بزرگی است که در نزد الله تعالى مورد بخشش قرار نمی‌گیرد.

تعریف شرک

شرک، در لغت حصه و قسمت را گویند، که به شراکت، همتا و یکجا بودن هم اطلاق می‌گردد.

در اصطلاح، به ذات، صفات، تصرفات و عبادت الله تعالى شریک قایل شدن را شرک گویند.

۱. شرک در ذات: مانند این که کسی به وجود دو خدا یا بیشتر از آن معتقد باشد.
۲. شرک در صفات: مانند این که کسی صفات الله تعالى را به مخلوقات ثابت سازد، مانند شخصی که بدون اسباب، کسی را عالم به امور غیب بداند، و یا کسی را مانند الله تعالى سمیع و قادر باور نماید، و یا صفات بنده گان را مثل صفات الله تعالى پندارد.
۳. شرک در تصرفات: شرک در تصرفات این است که کسی بغیر از الله تعالى، کس دیگری را بدون اسباب، متصرف و کارساز و برآورنده حاجت دانسته و یا مشکل گشا قبول نماید.
۴. شرک در عبادت: عبارت از آن است که جهت بنده گی و عبادت، به غیر الله تعالى سر تسلیم فرود آورده و همراه با الله تعالى به کس و یا چیز دیگری طاعت، تعظیم و ستایش نماید؛ و اعتقاد موجود باشد که گویا این کس و یا چیز، دارای قدرت غیبی است و توانایی ضرر رساندن و یا منفعت رساندن را دارد.

اقسام شرک

شرک به دو گونه است: شرک بزرگ (شرک اکبر) و شرک کوچک (شرک اصغر)
شرک اکبر: آن است که برای الله تعالى همتایی آورده شود و یا غیر الله تعالى به پرستش گرفته شود. این گونه شرک، انسان را از اسلام بیرون می‌نماید و همه اعمال را نابود می‌کند. اگر شخصی مرتکب این گونه شرک شود و پیش از توبه بمیرد، برای ابد در دوزخ می‌ماند.

با دقت در آیات قرآن کریم، چنین معلوم می‌گردد که شرک بزرگ به چهار قسم است: شرک در دعا و خواستن، شرک در قصد و نیت، شرک در طاعت، و شرک در محبت داشتن. و اینها ذیلاً توضیح می‌گردند:

۱. شرک در دعا: دعا از انواع مهم عبادات به شمار می‌رود. رسول الله ﷺ می‌فرماید: (الدعاء هو العبادة)^(۱) الله تعالی می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» [غافر: ۶۰]. ترجمه: «و پروردگار شما گفت: مرا دعا کنید (از من بخواهید) برای تان اجابت می‌کنم، یقیناً کسانی که از عبادت من سر باز می‌زنند، زود است که در جهنم به ذلت داخل شوند». همین طور که دعا عبادت است، خواستن از کس دیگری، جز الله تعالی شرک است. الله تعالی می‌فرماید: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (المؤمنون: ۱۱۷) ترجمه: «و هر کس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند و مسلماً هیچ دلیلی بر حقانیت آن نخواهد داشت، حساب او با خدا است، قطعاً کافران رستگار نمی‌گردند.»

همچنان در آیت دیگری می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (العنكبوت: ۶۵) ترجمه: «و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند؛ خدا را پاکدلانه می‌خوانند، ولی چون خداوند ایشان را به خشکی رساند و نجاتشان داد، آن‌گاه شرک می‌ورزند.»

از این آیات، به صراحت معلوم می‌شود که غیر از الله تعالی کس دیگری را عبادت کردن و به غیر از الله تعالی از کسی کمک خواستن، شرک است.

۲. شرک در قصد و نیت: به شرکی گفته می‌شود که صاحب آن، با انجام دادن اعمال دینی، دست یافتن به مقاصد خاص دنیایی را هدف بگرداند، و به صورت کلی هدف وی نشان دادن خود و ریاکاری باشد، البته منافقان هم این چنین می‌کنند و رضای الله تعالی را نمی‌طلبند. این گونه شرک هم از جمله شرک بزرگ می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسِرُونَ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [الهود: ۱۵، ۱۶] ترجمه: «کسانی که (تنها) خواستار زنده گی دنیا و زینت آن هستند، (پاداش) اعمال شان را در این جهان بدون هیچ گونه کم و کاستی می‌دهیم. آنان کسانی اند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سهمی ندارند و آنچه در دنیا انجام می‌دهند، ضایع و هدر می‌رود.»

^۱ رواه احمد والترمذی

۳. **شرک در طاعت:** به شرکی گفته می‌شود که مرتکب این گونه شرک، حرام بودن و حلال بودن را، بر خلاف حکم دین الله تعالی، از سوی مخلوق بپذیرد و قلباً باور داشته باشد که مخلوق حق حلال نمودن حرامی و یا حرام نمودن حلالی را دارد. الله تعالی در حق نصارا می‌فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (التوبة: ۳۱).

ترجمه: آنان دانشمندان و رهبانان (عابدان) خود را به غیر الله تعالی به خدایی گرفتند، همین گونه مسیح فرزند مریم را، در حالی که امر نشده بودند، مگر به عبادت الله یگانه؛ ذاتی که جز او دیگری سزاوار پرستش نیست، الله تعالی از سخنان مشرکانۀ آنان پاک و مبرا است.

۴. **شرک در محبت:** به شرکی گفته می‌شود که شخصی به چیزی یا شخصی، غیر از الله تعالی چنان دوستی نماید و آن را چنان بزرگ پندارد که در نتیجه از روی عاجزی و عبودیت سرش را در برابر او خم نماید. البته سر خم نمودن از روی اجلال و تعظیم، خاص برای الله تعالی است و عبادت خاص برای اوست. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (البقرة: ۱۶۵) **ترجمه:** «برخی از مردم چنان اند که به الله تعالی همتایان دیگری می‌گیرند و به آنان دوستی می‌ورزند، چنان دوستی که شایستۀ الله است و آنانی که ایمان آورده اند، از هر کس دیگری به الله تعالی بیشتر دوستی دارند.»

حکم شرک اکبر

شرک اکبر از جمله نواقض ایمان بوده و صاحب این نوع شرک، مشرک گفته می‌شود و تا ابد در دوزخ می‌ماند؛ هرگز از جهنم بیرون نخواهد شد و شفاعت هیچ شفاعت کننده ای در حق او پذیرفته نمی‌شود.



۱. شرک را تعریف کنید.
۲. شرک به چند گونه است؟
۳. شرک اکبر به چند گونه است؟
۴. آیا الله تعالی مشرک را خواهد بخشید؟
۵. شرک در قصد و نیت چه را می‌گویند؟
۶. شرک در دعا چیست؟
۷. حکم شرک اکبر را بیان کنید؟

شرک اصغر

تعریف شرک اکبر، اقسام و حکم آن را در درس قبلی آموختیم، در این درس تعریف شرک اصغر و اقسام آن را فرا می‌گیریم.

تعریف شرک اصغر

شرک اصغر، عبارت از گناهی است که، حضرت پیامبر اکرم ﷺ در احادیث مبارک خود از جهت سرزنش و تهدید، آن را به نام شرک یاد نموده اند. اما شخص را از اسلام بیرون نمی‌نماید؛ اگر چه بزرگترین گناه محسوب می‌شود. این شرک به دو گونه است:

۱. شرک آشکارا: این گونه شرک در افعال و الفاظ می‌آید.

أ. الفاظ: مانند این که کسی به غیر الله تعالی سوگند بخورد، ابن عمر -رضی الله تعالی عنهما- فرموده است که به غیر الله تعالی سوگند یاد نکنید؛ زیرا: «فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- يَقُولُ «مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ وَأَشْرَكَ»^(۱)

ترجمه: من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود: کسی که به غیر الله تعالی سوگند یاد کند، کفر ورزیده و شرک آورده است.

ب. افعال: مانند این که کسی برای دفع بیماری‌های خود از چیزهایی استفاده نماید که، از جانب الله تعالی، مفید معرفی نگردیده باشند. چنانچه نبی اکرم ﷺ فرموده است: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ»^(۲) ترجمه: کسی که (به گردن خود، اطفال و یا حیوانات) تعویذی را (به غرض رفع بیماری و چشم زدن) بیاویزد قطعاً شرک ورزیده است.^(۳)

۲- شرک خفی: شرک در اراده و نیت، شرک خفی گفته می‌شود. مانند ریاء؛ ریاء به عملی گفته می‌شود که کسی کار نیکی را به این قصد و نیت انجام دهد که مردم او را

۱ - مسند أحمد - (۱۰ / ۲۴۹)

۲ - مسند أحمد - (۲۸ / ۶۳۷)

۳ - مراد از تعویذ در اینجا آن چیزهایی است که در زمان جاهلیت (قبل از اسلام) رواج داشت و مشرکان آن چیزها را در گردن اطفال خود به نیت این که نظر نگردند می‌آویختند مانند بندها، تارها و غیره به نام تمیمه یاد می‌شود.

دیده از کار او تحسین نموده و او را به خاطر آن عمل ستایش کنند. الله تعالی می‌فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۱۰]

ترجمه: «پس هر که دیدار پروردگارش را آرزو می‌دارد، بایستی عمل نیک انجام دهد، و در پرستش با پروردگار خود کسی را شریک نگرداند.»

نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ؟ قَالَ: «الرِّيَاءُ»^(۱) ترجمه: «یقیناً درباره‌ی شما نسبت به هر چیزی از شرک اصغر (شرک خورد) بیشتر بیمناکم، گفتند: ای رسول الله ﷺ، شرک اصغر چیست؟ فرمود: ریا.»

فعالیت ها: شاگردان راجع به شرک اکبر و شرک اصغر با هم مباحثه نمایند.



۱. شرک اصغر را تعریف نمایید.
۲. چند مثال از شرک اصغر بیان نمایید.
۳. شرک اصغر چند گونه است؟
۴. شرک آشکارا چند گونه است؟
۵. حکم شرک اصغر را بیان نمایید.

نواقض ایمان (۲)

کفر اکبر

همان گونه که شرک، عمل ناروا، منافی توحید و از شکننده‌های آن است، کفر نیز یک عمل ناروا، منافی ایمان و بزرگترین ناقض توحید و ایمان می‌باشد.

تعریف کفر

کفر، در لغت پنهان نمودن چیزی را گویند؛ اما در اصطلاح علم عقاید به آنچه ضد ایمان است، کفر گفته می‌شود. یعنی ایمان نیاوردن به الله تعالی و به پیامبران او، کفر گفته می‌شود. ایمان نیاوردن به صورت دروغ شمردن، یا شک نمودن در یگانگی او تعالی، تردید و دو دل شدن، حسد ورزیدن با پیامبر الله تعالی، کبر و سرکشی کردن در برابر شریعت الهی و یا چیزهای دیگری که از روی خواهش‌های نفسانی صورت بگیرد، همه کفر است.

امام رازی کفر را چنین تعریف کرده است:

«کفر، یعنی تصدیق نکردن پیامبر ﷺ در چیزی که آمدن آن حضرت با آن ضروری دانسته شده است»^(۱)

شرح تعریف

در اصطلاح علم عقاید، ایمان نیاوردن به الله ﷻ و یا به شریعت او تعالی که به واسطه حضرت محمد ﷺ آورده شده، و یا منکر شدن از چیزهای دیگری که ایمان داشتن به آنها فرض می‌باشد و یا شک نمودن در آنها و دروغ دانستن آنها، از روی حسد، کبر و یا به اثر اسباب دیگری امتناع از قبول ارشادات الهی، همه کفر محسوب می‌گردند؛ زیرا ایمان حقیقتی است که تجزیه را نمی‌پذیرد؛ پس امکان ندارد که به بعضی از چیزهای قطعی ایمان آورد و از برخی دیگر منکر گردید.

^۱ - تفسیر فخر الرازی به نقل از العقیده الإسلامية و أسسها - عبدالرحمن حسن جبنة الميدانی ص ۷۱۶

اقسام کفر

کفر دو گونه است:

کفر بزرگ (کفراکبر)

کفر کوچک (کفر اصغر)

نخست: کفر اکبر: این گونه کفر، ضد ایمان است.

کفر اکبر به پنج گونه تقسیم شده است:

۱- **کفر دروغ شمردن:** نسبت دروغ (دروغگو دانستن) به فرستادگان الله تعالی کفر است. هر کسی که انبیای الله تعالی را در آنچه که از سوی او تعالی آورده اند، دروغگو بداند، این شخص، کافر است و از اسلام خارج دانسته می شود؛ زیرا الله تعالی فرموده است: **﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾** (العنکبوت: ۶۸)

ترجمه: چه کسی ظالم تر از آن کس است که به الله تعالی دروغی را ببندد و یا به حق، دروغی را نسبت بدهد؛ آن گاه که او را برسد. آیا در دوزخ جایگاه کافران نیست؟

۲- **کفر انکار و تکبر:** این نوع کفر چنان است که شخص کافر، به حقانیت و راستی فرستاده گان الله تعالی دانا باشد، و یقین داشته باشد که فرستاده الله تعالی از جانب او و بر حق می باشد؛ اما از روی عناد و تکبر به اوامر الله تعالی گردن نمی، چنانچه الله تعالی فرموده است: **﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾** (البقرة: ۳۴)

ترجمه: «و زمانی که ما به فرشته گان امر کردیم که در برابر آدم سجده کنید، همه سجده کردند، مگر ابلیس، که انکار ورزید، تکبر نمود و از گروه کافران گردید.»

۳- **کفر، شک، تردید و عدم یقین به صدق پیامبر:** به این گونه کفر، کفر ظن و گمان هم گفته می شود، چنانچه الله تعالی می فرماید: **﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ۖ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۖ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ۖ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾** [الكهف: ۳۵ - ۳۸] **ترجمه:** «و در حالی که او به خویشتن ستمگار بود، داخل باغ شد و گفت: گمان نمی کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد، و گمان نمی کنم

که قیامت بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم؛ قطعاً بهتر از این را در بازگشت خواهم یافت، رفیقش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، به او گفت: آیا به آن کسی که تو را از خاک سپس از نطفه آفرید، آنگاه تو را [به صورت] مردی درآورد، کافر شدی؟! اما من [می‌گویم] و اوست خدا، پروردگار من است و من هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم.»

۴- کفر روبر تافتن و اعراض کردن: مراد از این نوع کفر آن است که کسی از دین روی گرداند. یعنی نه به رهنمودهای نبوی گوش بدهد و نه به قلب میلی به طرف آن داشته باشد و نه خود را به آن واقف و آگاه نماید. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُتِلُوا مَوعِظُونَ﴾ (الأحقاف: ۳) ترجمه: «وآنانی که کافر شدند، از آنچه که بیم داده می‌شوند، روی میگردانند.»

۵- کفر نفاق: مراد از نفاق در اینجا نفاق در عقیده است، چنانکه کسی در ظاهر برای مردم، ایمان خود را آشکار می‌سازد؛ اما در باطن عقیده کفر می‌داشته باشد. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (المنافقون: ۳). ترجمه: «این (نفاق و باز داشتن از دین) به آن سبب است که آنان (نخست با زبان) ایمان آوردند (سپس با دل) کافر شدند، پس به این سبب بر دلهای آنان مهر زده شد اکنون آنان هیچ چیزی را نمی‌دانند و درک نمی‌کنند»

اقسام نفاق

نفاق دو گونه است:

نخست: نفاق عقیدتی: به این گونه نفاق، کفر اکبر نیز گفته می‌شود و سبب خروج از اسلام می‌گردد. و این گونه نفاق شش قسم است؛ نسبت دروغ نمودن به پیامبر و یا به چیزهای که پیامبر از جانب الله تعالی آورده است، کینه ورزیدن با پیامبر، یا کینه ورزیدن با چیزهایی که رسول ﷺ از جانب الله آورده است، اظهار خوشی به سبب ضعیف شدن پیامبر و دین، یا بد شمردن کمک و همکاری با پیامبر.

دوم: نفاق عملی: این نفاق، نفاق اصغر هم گفته می‌شود، با این گونه نفاق، انسان از اسلام بیرون نمی‌گردد؛ اما باز هم گناه کبیره است. پیامبر ﷺ چند نمونه آن را برای ما بیان فرموده است: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ

خَصْلَةٌ مِنْ نِفَاقٍ حَتَّى يَدْعَهَا إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ»^(۱)

ترجمه: «چهار خصلت است که اگر همه [آن چهار خصلت] در کسی پیدا شد، به تمام معنا منافق است. اگر یکی از آن چهار در کسی پیدا شد، در آن شخص عادت‌های نفاق پیدا شده تا آن زمان که آن عادت را ترک نماید، آن چهار خصلت این هاست: هر گاه که سخن بزنند، دروغ می‌گویند، و زمانی که پیمان ببندد، در آن غدر می‌کند، وقتی که وعده کند، وفا نمی‌کند و آنگاه که با کسی مخاصمه کند، دشنام می‌دهد.»

حکم کفر اکبر

کفر اکبر از جمله نواقض اسلام بوده و به صاحب این کفر، کافر گفته می‌شود و از اسلام بیرون می‌گردد، به سبب این کفر مستحق ابدی دوزخ گردیده و در روز قیامت، شفاعت هیچ شفاعت کننده، در حق او پذیرفته نمی‌شود.



۱. کفر را تعریف کنید.
۲. اقسام کفر کدام هاست؟
۳. کفر اکبر (کفر بزرگ) چند گونه است؟
۴. نفاق به چند قسم است؟
۵. آیا نفاق عملی سبب بیرون شدن از اسلام می‌گردد؟ به تفصیل بیان کنید
۶. حکم کفر اکبر را توضیح دهید.

^۱ - متفق علیه

کفر اصغر

در درس قبلی راجع به کفر اکبر سخن گفتیم و پیرامون آن اطلاعات ضروری بدست آوردیم، در این درس در مورد کفر اصغر، تعریف، اقسام و حکم آن را بحث می‌نماییم.

تعریف کفر اصغر

کفر اصغر از گناهانی است که صاحب شریعت، از روی سرزنش و یا تهدید، آن گناهان را کفر خوانده است؛ اما به حد کفر اکبر نرسیده و به اصل ایمان منافی نمی‌باشند. این نوع گناهان باعث ضعف ایمان می‌شوند. هرگاه مرتکب این چنین گناهان توبه نکند، الله تعالی اگر خواست او را جهت سزای عمل بدش، به جهنم می‌فرستد؛ اما نه به طور ابدی، و اگر الله تعالی اراده کرد، وی را عفو می‌نماید.

اقسام کفر اصغر

کفر اصغر (کفر کوچک) دارای اقسام زیاد است؛ اما به صورت مختصر گفته می‌توانیم: هرگناهی که درنصوص شریعت به آن نسبت کفر شده باشد؛ ولی به حد کفر اکبر و شرک اکبر نرسیده باشد، کفر اصغر گفته می‌شود.

مثال‌های کفر اصغر

رسول الله ﷺ در یک حدیث شریف فرموده است: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»^(۱)
ترجمه: دشنام دادن مسلمان فسق و کشتن او کفر است.

همچنان در حدیث دیگری هنگام حجة الوداع که برای مردم نصیحت می‌کرد، فرمود: «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفْرًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ»^(۲)

ترجمه: بعد از من کافر نشوید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند.

در حدیث دیگری فرموده است: «اِثْنَانِ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرٌ: الطَّعْنُ فِي النَّسَبِ وَالنِّيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ»^(۳)

۱ - صحیح مسلم - (۱ / ۵۷)

۲ - صحیح مسلم - (۱ / ۵۸)

۳ - صحیح مسلم - (۱ / ۵۸)

ترجمه: در مردم دو عادت وجود دارند که آن دو کفر است: یکی طعنه زدن به نسب و دیگر گریه سر دادن توأم با فریاد بر بالای مرده.

حکم این گونه کفر

صاحب این گونه کفر، نه به کفر نسبت کرده می‌شود و نه هم از اسلام بیرون می‌گردد. اما صاحب شریعت برای سرزنش و تهدید و باز داشتن مسلمانان از ارتکاب این چنین گناہانی، آن را کفر خوانده است.

فعالیت: شاگردان در میان خود راجع به تعریف کفر اصغر و اقسام آن باهم مباحثه نمایند.



۱. کفر اصغر را تعریف نمایید.
۲. چند مثال برای کفر اصغر بیاورید.
۳. حکم کفر اصغر را بیان نمایید.
۴. برای کفر اصغر چند دلیل نقلی ذکر کنید.

بدعت

شیطان همواره در صدد اغوا و گمراه کردن انسان است؛ فاسقان را به طرف بی دینی سوق داده و مردم متدین را به افراط در امور دینی و عقیدتی تشویق می‌کند، تا در دین چیزهای نو و تباهکن را ایجاد نماید و مردم بی خبر از دین و تعلیمات دینی، این چیزهای تازه وارد شده را جزء دین پنداشته و به هدف اطاعت از الله تعالی در معصیت و گناه غرق می‌شوند.

در درس حاضر پیرامون بدعت بحث نموده دلایل عدم جواز آن را از قرآن و سنت فرا می‌گیریم.

تعریف بدعت

بدعت یک کلمه عربی است که به معنای چیز نو پیدا و جدید می‌باشد. در اصطلاح شریعت اسلامی، بدعت به اموری گفته می‌شود که از طرف کسی ایجاد شود و به آن رنگ دینی داده شود. در حقیقت بدعت اضافه کردن چیزی در دین است که در قرآن و سنت نبوی اصل نداشته باشد.

شرح تعریف

در تعریف به سه مطلب اشاره گردیده است:

۱. بدعت در دین، به ایجاد چیزهای نو، اطلاق می‌شود که قرآن و سنت به آن امر نکرده باشد، بدعت در امور دینی می‌باشد و نو آوری‌ها در امور دنیوی بدعت گفته نمی‌شود. تفاوت میان امور دینی و دنیوی در این است که امور دینی جهت حصول اجر و طلب ثواب انجام می‌شود و امور دنیا از خود اهداف خاص دارد.
۲. دین در حیات رسول اکرم ﷺ تکمیل گردیده و تمام امور و احکام مورد نیاز بشر در قرآن کریم و سنت نبوی بیان شده است، بناءً مجال برای اضافه کردن چیزی در دین باقی نمی‌ماند.
۳. بدعت تنها به امور دینی مربوط می‌شود، اختراع و ابتکار در عرصه‌های مختلف زنده‌گی مانند علم و تکنالوژی نه تنها بدعت نیست، بلکه مسلمانان مکلف به تحقیق و نو آوری در علوم و فنون و تکنالوژی می‌باشند.

فعالیت

- ۱- شاگردان در مورد اقامه کردن دین، آوردن امنیت، تعلیم و تربیت، صحت و استقرار عدالت در جامعه بحث نموده و توضیح بدهند که چگونه این امور می‌توان از جمله عبادت پنداشت.
- ۲- چرا سازماندهی تشکیلات دولتی بدعت پنداشته نمی‌شود با آنکه در زمانه رسول الله ﷺ به این پیمان نبوده.

بدعت در عقیده

علما و دانشمندان متفق اند که ایجاد بدعت در عقیده، حرام است و بعضی بدعت های اعتقادی منجر به کفر می‌گردد، در صورتی که از حکم صریح دین انکار رخ دهد. همه علما آنرا کفر بواح (نمایان) می‌دانند؛ مانند این سخن مشرکان که الله تعالی در قرآن کریم از آن حکایت می‌فرماید: **﴿وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَیْ أَزْوَاجِنَا﴾** [الأنعام: ۱۳۹] ترجمه: «و گفتند: آنچه در شکم های این حیوانات است، صرف از آن مردهای ماست و بر خورداری زن های ما از آن حرام گردانیده شده است.»

دلایل ناروا بودن بدعت

دلایل عدیده عقلی و نقلی به ناروا بودن بدعت دلالت دارد، که در اینجا به برخی از دلایل قاطع و صریح از قرآن و سنت بسنده می‌نماییم:

اول قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾** [المائدة: ۳]

ترجمه: «امروز دین تان را برایتان کامل ساختم، و نعمتم را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را دین پسندیده تان گردانیدم»

پس کسیکه چیزهای نو را در دین پدید آورد، و آنرا از امور دین معرفی کند، به آن معنا است که دین را توسط رسول کریم ﷺ کامل نمی‌داند و از این کار بر می‌آید که گویا بعضی از بخشهای دین را آنحضرت ﷺ تکمیل نکرده و آنرا برای این مبتدع گذاشته تا تکمیلش نماید، یا به مفهوم این آیت پی نبرده و یا در خط انکار قرار دارد.

رسول الله ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لِوَلَاةِ الْأَمْرِ، وَإِنْ كَانَ عَبْدًا حَبِشِيًّا، فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ، تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ. فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»^(۱)

ترجمه: من شما را به تقوای خدای تعالی و به شنیدن اوامر و اطاعت مسؤولین امور تان دستور می‌دهم، اگر چه متولی امور شما یک غلام حبشی باشد. هر که از شما زنده بماند شاهد اختلاف زیادی خواهد بود. پس بر شما پیروی از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته لازم است، این طریقه و روش را به دندانهای خویش محکم بگیرید. از کار های نو پیدا (بدعت) خودداری کنید؛ زیرا هر چیز نو بدعت است و هر بدعت ضلالت و گمراهی است.

در یک حدیث شریف ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه -رضی الله تعالی عنها- از رسول الله ﷺ روایت می‌کنند: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^(۲)

ترجمه: «کسی که در دین ما چیز نوی را ایجاد کند، که از اصل دین نیست، آن عمل مردود است» ناگفته نماند که هر بدعتی که در جامعه اسلامی رونما می‌گردد؛ یک سنت از سنتهای پیامبر اسلام ﷺ برداشته می‌شود و جایش را بدعتها فرا می‌گیرد.



۱. بدعت را تعریف کنید.

۲. از تعریف بدعت کدام مطالب بر می‌آید.

۳. بدعت در عقیده چگونه است.

۴. دلائل ناروا بودن بدعت را در قرآن و سنت بیان کنید.

کار خانگی:

شاگردان در مورد بدعت و خطر آن مقاله ای نوشته و بعضی از بدعت‌های موجود را بیرون نویس نمایند.

^۱ _ رواه احمد فی المسند وابو داود فی السنن

^۲ _ متفق علیه

مقام اصحاب پیامبر ﷺ

۱. تعریف صحابه

صحابه واصحاب، جمع صحابی است که به معنای دوست و همراه می باشد. و در اصطلاح، صحابی به شخصی گفته می شود که پیغمبر ﷺ را دیده، به او ایمان آورده و در حالت ایمان وفات یافته باشد. صحابه، پیروان و شاگردان پیامبر ﷺ بوده و در نشر دین اسلام و دفاع از آن جانفشانی بی نظیری انجام داده اند. نقش صحابه کرام رضوان الله تعالی عنهم اجمعین در حفظ قرآن کریم و سنت نبوی که اساس اسلام را تشکیل می دهد، بسیار مهم و بنیادین است.

۲. برتری و مقام اصحاب کرام

الله ﷻ، در بسا از آیات قرآن، فضیلت، مقام و منزلت صحابه را ستوده است، به عنوان مثال آیات ذیل را ذکر می کنیم:

أ. الله ﷻ از صحابه خشنود و راضی است و صحابه از او: در این باره الله تعالی می فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [توبه: ۱۰۰]

ترجمه: «و پیشگامان نخستین از جمله مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان نیز از او خشنودند و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، همیشه در آن جاودان اند. این یک کامیابی بزرگ است»

ب. صفات نیک صحابه در قرآن

خداوند متعال می فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹]

ترجمه: «محمد ﷺ پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی؛ فضل و خشنودی خدا را خواستارند؛ علامت آنان اثر سجود در چهره هایشان است»

ج. بر بنیاد آیات مبارکه فوق و احادیث زیادی که به مقام بلند صحابه دلالت می‌کنند، همه امت اسلامی به عدالت و تقوای صحابه اجماع نموده گفته اند: «الصحابه کلهم عدول» یعنی همه اصحاب، نیک اندیش و درستکارند و همگی دارای تقوا می‌باشند. و اگر کسی از صحابه گناهی هم مرتکب شده باشد، توبه کرده است و خداوند تعالی وعده بخشایش گناهان را داده است. الله جلّ و علا می‌فرماید: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْمُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رُؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبه: ۱۱۷]

ترجمه: «به یقین، خدا توبه پیامبر و توبه مهاجران و انصار را پذیرفت. مهاجرین و انصاری که در ساعت دشوار از او پیروی کردند، بعد از آنکه چیزی نمانده بود، دل‌های دسته ای از آنان منحرف شود؛ باز هم خداوند توبه آنان را پذیرفت. چرا که او نسبت به آنان بسیار مهربان و رحیم است»

۳. ویژگی‌های صحابه

صحابه کرام چنان انسان‌های وارسته‌ی بی‌اند که خداوند متعال خشنودی و رضایتش را از آنان چنین اظهار می‌دارد: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح: ۱۸].

ترجمه: «به راستی خداوند از مؤمنان خوشنود شد؛ زمانی که در زیر درخت باتو بیعت کردند».

صحابه کرام مقام و جایگاه بلندی دارند؛ آنان کسانی‌اند که خداوند متعال ایشان را برای رسانیدن قرآن و سنت پیغمبر برای امت اسلامی تا روز قیامت برگزیده است، که بدون آنها نه فهم درست قرآن به امت می‌رسد و نه تعلیمات و راهنمایی‌های پیغمبر اکرم ﷺ، به همین خاطر معتقد بودن به عدالت، صدق و تقوای صحابه، برخی از ایمان به شمار می‌رود.

۴. دوستی با صحابه

پیغمبر ﷺ در بیاناتش به مسلمانان دستور داده تا با اصحاب دوستی داشته باشند و خود را از دشمنی با آنان دور نگهدارند، چرا که جماعت صحابه در روی زمین برترین جماعت و دوستی با آنها نشانه ایمان کامل می‌باشد. محبت و احترام و قدرشناسی آنها به معنای محبت و احترام به پیغمبر اکرم ﷺ و دین اوست.

به همین خاطر پیغمبر ﷺ در خطاب به عموم امت، توجه آنان را به اصحاب و جایگاه شان معطوف داشته فرموده است: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنْفَقَ أَحَدُكُمْ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»^(۱).

ترجمه: «اصحابم را دشنام ندهید؛ قسم به ذاتی که روحم در اختیار اوست اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا صدقه دهد، به یک مشت خیرات آنها نمی‌رسد و نه به نیم مشت خیرات آنها می‌رسد.»

در حدیثی دیگر می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي لَا تَتَّخِذُوهُمْ عَرَضًا بَعْدِي فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فِجَبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فِیْبُغْضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ يُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ»^(۲).

ترجمه: «در باره اصحاب من از خدا بترسید! از خدا بترسید! تیر سخنان زشت خود را بسوی آنها نشانه نگیرید، اگر کسی آنان را دوست بدارد، به خاطر محبتی که با من دارد، آنها را دوست می‌دارد و اگر کسی نسبت به آنان بغض و دشمنی ورزد، به خاطر دشمنی‌اش با من است. کسی که آنان را اذیت و آزار دهد، در حقیقت مرا آزار داده است و کسی که مرا بیازارد، یقیناً الله ﷻ را آزرده است (او را از خود ناراض ساخته است) و کسی که خداوند را بیازارد، زود است که خداوند از او را بگیرد، یعنی مؤاخذه کند.»

فعالیت:

در حدیث فوق پیامبر اکرم ﷺ چند نکته مهم را ذکر کرده است، در باره آنها به نوبت سخن بگویید:

۱. در باره اصحاب کرام از خدا بترسید.
۲. صحابه را هدف سخنان زشت تان قرار مدهید.
۳. دوستی با اصحاب در واقع دوستی با رسول خداست.
۴. دشمنی با صحابه به معنای دشمنی با پیامبر است.

^۱ - سنن أبی داود

^۲ - الترمذی

۵. بغض و کینه داشتن نسبت به صحابه، منافقت است

چنانکه دوستی با اصحاب نشانه ایمان است، بد دیدن آنها منافقت و سرکشی به شمار می‌رود. امام طحاوی رحمه الله می‌نویسد: (وَبُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَطُغْيَانٌ). یعنی بد بینی در برابر صحابه کفر، نفاق و سرکشی و طغیان است.

و بغض صحابه بدان دلیل نفاق است - که پیغمبر ﷺ فرموده است: «الْأَنْصَارُ لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ»^(۱). یعنی انصار را دوست نمی‌دارد؛ مگر مؤمن و با آنها بغض در دل نمی‌پروراند، مگر منافق.

از سوی دیگر صحابه کرام - رضوان الله علیهم اجمعین - پاسداران و مبلغان دین بودند و در مقابل کفر جهاد و مبارزه کردند، پس بغض با آنها از آن جهت منافقت است که این کار از عادات و خصلت‌های منافقان آن زمان بود.



۱. صحابه را تعریف کنید.
۲. در باره مقام صحابه دو دلیل نقلی ذکر کنید.
۳. حکم دوستی با صحابه چیست؟
۴. حکم بغض و دشمنی با صحابه را بنویسید.

کارخانگی:



شاگردان در باره مقام صحابه و دوستی با آنان مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.